

آخوند دربار

در تعلق

خدایا

به داد اسلام
الله

برس!

امام خمینی

رحمه الله علیه

اسلام امریکایی

فهرست

- اسلام امریکایی یعنی اسلام مَلاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ...
- چه شده است سران مسلمین را که همه حیثیت و آبروی خودشان را نثار امریکا کرده‌اند؟ چه شده است که بعضی از روحانیون درباری، ایران را تکفیر می‌کنند؟
- بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی نماها
- روحانی نماها خطرناکترین دشمن برای اسلام
- هر آخوندی که به دربار میرفته درباری نبوده! ویژگی های آخوند غیر درباری!
- علمای اسلام درباری نیستند. (قابل توجه برخی روحانی نماها!) ویژگی های آخوندهای غیر درباری!
- نگاهی به زندگی پیشوایان اسلامی؛ ویژگی های آخوند غیر درباری / چگونگی رهبران کمونیستی
- کذب شعار «این آخوندها همه درباری‌اند»
- روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند
- حضرت امیر درباری بوده است؟! / اینها چه جور آدمهایی بودند؟ / چه جور زندگی می‌کردند؟
- اگر انحرافی از بعضی اشخاص مُلبَس به این لباس واقع بشود، ممکن است این پای اسلام حساب بشود
- خدایا، به فریاد اسلام برس! / اعتبار مکتب ما، بسته به اعمال ما.
- معمّم‌هایی داشتیم که از سازمان امنیتیها بدتر بودند
- ما نمی‌خواهیم بگوییم که همه روحانیون ملائکة اللّٰه هستند
- این آخوندهای درباری اسلام را جز خوردن چیزی نمی‌دانند؛ همان مسائل حیوانی.
- وعاظ السلاطین (واعظان و آخوندهای درباری) از سلاطین جور، سپاهروی ترند

- ما گله‌مان از این آخوندهای درباری فاسد است و از این دولتهایی که مثل آن آخوند را به نوکری خودشان می‌پذیرند
- دامن زدن به جدایی دین از سیاست توسط آخوندهای درباری و این سلاطین نوکر مآب
- آخوندهای درباری، ایران را تکفیر می‌کند، و مسلمین ایران را مسلم نمی‌داند، برای اینکه آنها با امریکا مخالفاند.
- این درباریها و روحانیون درباری کمک می‌کنند به این قدرتهای بزرگ و مردم نشسته‌اند و گوش می‌دهند و می‌بینند. تکلیف نیست؟ ما نباید از تاریخ رسول الله عبرت بگیریم؟
- ما در محیطی گذران می‌کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند زیر چکمه ستمگران خرد می‌شوند و آخوندهای کثیف درباری به این اعمال وجهه اسلامی می‌دهند.
- دست علمای متعهد و مسلمانان بیدار راه، این درباریان روحانی نما و بازیخوردگان غافل از سیاست بازی شیاطین می‌بینند، و راه را برای چپاول و سلطه قدرت‌ها باز می‌کنند.
- آن ضرری که از این آخوندهای درباری، اسلام می‌خورد، بدتر از آن ضرری است که از امریکا می‌خورد
- دامن زدن آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت این طایفه‌اند که اگر فاسد شدند، عالم را فاسد می‌کنند
- آخوندهای درباری نگویند که شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه» خلاف قرآن است
- شما آقایان چرا ساده اندیشی می‌کنید؟ شما سوره برائت را برای مردم چرا نمی‌خوانید؟ شما آیات قتال را چرا نمی‌خوانید؟ هی آیات رحمت را می‌خوانید! آن قتال هم رحمت است
- تفرقه انگیزی آخوندهای درباری / جز این است که اینها نوکر امریکا یا بعض بلاد دیگر هستند که اینها را وادار به این می‌کنند که یک همچو مسائلی را بگویند و تفرقه ایجاد کنند؟
- در پرده ابهام رفتن ابعاد فریضه عظیم حج توسط آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمیهای بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی و ...
- مخالفت آخوندهای درباری با جهات سیاسی حج
- آخوند های درباری و حج
- مخالفت روحانی نماها و آخوندهای درباری با شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت در حج
- آنها می‌خواستند برگردانند اسلام را به همان مسائل زمان جاهلیت، ولو در صورت اسلام. تکلیف امیرالمؤمنین در این وقت چی بود؟ جز این بود که عمل کرد؟
- آخوندهای حسود دنیاگرای درباری، راس عمال مزدور دشمنان اسلام
- از خرده گیری کج روشان و آخوندهای درباری و وعاظالسلاطین نهراسید
- آنی که پیغمبر می‌خواست حاصل نشده است! اگر حاصل شده بود، تو آخوند درباری حالا نبودی.
- اگر پیغمبر مقصدش حاصل شده بود، این آخوندهای درباری حالا نبودند

اسلام امریکایی یعنی اسلام مآهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ...

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته‌اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام مآهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می‌گذارند

چه شده است سران مسلمین را که همه حیثیت و آبروی خودشان را نثار امریکا کرده‌اند؟ چه شده است که بعضی از روحانیون درباری، ایران را تکفیر می‌کنند؟

اگر از افغانستان اطلاع ندارید، علمای افغانستان و بسیاری از محترمین افغانستان اینجا هستند، در ایران هستند؛ از آنها سؤال کنید که به افغانستان چه می‌گذرد. ای مسلمین! به داد اسلام برسید. ابرقدرتها با اسلام مخالفند، ابرقدرتها اسلام را نمی‌خواهند باشد؛ برای اینکه مشاهده می‌کنند که در زیر پرچم اسلام اگر یک میلیارد جمعیت مجتمع بشوند، برای آنها در دنیا زندگی کردن دیگر مشکل می‌شود و دست جنایتکار همه آنها قطع می‌شود. چه شده است مسلمین را و چه شده است سران مسلمین را که همه حیثیت و آبروی خودشان را نثار امریکا کرده‌اند؟ چه شده است اینها را که خزاین بزرگ اسلامی را که مال ملت‌های پابرنه ضعیف است به امریکا تقدیم می‌کنند و امریکا در مقابل این تقدیم از اسرائیل طرفداری می‌کند و می‌گوید که اسرائیل را ما به اینها نمی‌فروشیم؟ چه شده است مسلمین را؟ چرا باید مسلمین اینطور باشند؟ چرا باید دستگاه‌های تبلیغات مسلمین بر ضد یک دسته از مسلمین که می‌خواهند خودشان را نجات بدهند از سلطه‌های خارجی و از دزدهای بین‌المللی، این تبلیغات به ضد همین طایفه هستند؟ چه شده است که جبهه بندی می‌کنند در مقابل ایران؟ مگر ایران چه کرده است؟ چه شده است که بعضی از روحانیون درباری، ایران را تکفیر می‌کنند؟ قرآن تصریح می‌کند که اگر کسی ادعای اسلام کرد، او را مسلم بدانید، از او قبول کنید، او را رد نکنید. اینها از اسلام چه خبر دارند؟ ما فریاد می‌کنیم که ما مسلم هستیم، و می‌خواهیم قرآن کریم و دستورات رسول اکرم را در این کشور پیاده کنیم. و ما بیشتر از بیست سال مخالفت خودمان را با اسرائیل و با امریکا اعلام کرده‌ایم و باز این نویسندگان مجلات، روزنامه‌ها و این گویندگان رادیوها ما را متهم می‌کنند که با اسرائیل دوستی داریم. ما با اسرائیل دوستی داریم یا آنها می‌کنند که با اسرائیل با مسلمین دارد چه می‌کند؟ اسرائیل لبنان را به چه حالت کشانده است؟

و اسرائیل با سوریه چه دارد می‌کند؟ بلندیهای جولان را به کشور خودش متصل کرده است و آمالش بیشتر از اینهاست، لکن شما می‌گویید که ما او را می‌خواهیم [به رسمیت] بشناسیم. ما دوستی داریم با او که بیش از بیست سال است فریاد کرده‌ایم این غده سرطانی را اجتماع کنید و از بین مسلمین بیرون کنید، بیت المقدس را از او بگیرید، کشورهای اسلامی را از این غده سرطانی آزاد کنید یا شما که اسرائیل را می‌خواهید با حیل‌هایی [به رسمیت] بشناسید و یک کشور در مقابل اسلام و هوادار یک همچو کشوری باشید که ظلمش بر همه جهانیان واضح است؟ و شما جرأت دارید در مقابل خدا ایستاده‌اید و دشمن خدا و دشمن سرسخت مسلمین را می‌خواهید سلطه به او بدهید و می‌خواهید آرامش به او بدهید و می‌خواهید بشناسید؟ شما اسرائیل را بشناسید، او شما را نمی‌شناسد. و شما ایستادید و نشستید تا اسرائیل بر همه شما- خدای نخواست- حکومت کند ..^۲

بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی نماها

بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی نماها در همین است که علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده‌اند و اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است؛ ولی روحانی نماها در کنف حمایت زپرستان دنیاطلب، مروّج باطل یا ثناگوی ظلمه و مؤید آنان بوده‌اند ..
تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و امریکای جهانخور ایستاده باشد.

همان گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد. و عارف حسینی اینگونه بود. و ملت‌های اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران «مطهری» ها و «بهشتی» ها و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز، و در عراق «صدر» ها و «حکیم» ها و در لبنان «راغب حرب» ها و «کُریم» ها، و در پاکستان «عارف حسینی» ها، و در تمامی کشورها روحانیون درد آشنای اسلام ناب محمدی- صلی الله علیه و آله- هدف توطئه و ترور می‌شوند ..^۳

روحانی نماها خطرناکترین دشمن برای اسلام

اکنون بر نسل تحصیلکرده مسلمان و مردان روشن ضمیر آگاه است که با کوششهای همه جانبه و از هر راه ممکن، اسلام و پیشوایان اسلامی و مسئولیت‌های خطیر و سنگین علمای اسلام را به ملت‌های مسلمان برسانند تا مردم آگاه شوند و آن دسته از روحانی نماهای منحرف را که مستقیم و غیر مستقیم در خدمت رژیم جبار قرار گرفته‌اند طرد نمایند. اگر ملت اسلام به مبانی نورانی قرآن واقف گردد و به وظایف سنگین علما و پیشوایان اسلام آگاه شود، روحانی نماها و آخوندهای درباری در میان اجتماع ساقط خواهند شد. و اگر معمین ساختگی و روحانی نماهای بی‌حیثیت در جامعه ساقط شده نتوانند مردم را بفریبند، دستگاه جبار هیچ گاه موفق به اجرای نقشه‌های شوم استعمارگران نخواهد شد. ما پیش از هر کار لازم است تکلیف خود را با روحانی نماها- که امروز از خطرناکترین دشمن [ها] برای اسلام و مسلمین محسوب می‌شوند و به دست آنها نقشه‌های شوم دشمنان

^۲ صحیفه امام ج ۱۶ ص ۳۷ اتهامات ناروا به نظام اسلامی در رابطه با اسرائیل. ص : ۲۶

^۳ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۱۲۰ پیام به ملت مسلمان و علمای پاکستان (شهادت سید عارف حسین حسینی). ص : ۱۱۹

دیرینه اسلام و دست نشانندگان استعمار پیاده و اجرا می‌گردد- روشن سازیم و دست آنان را از حوزه‌های علمیه، مساجد و محافل اسلامی کوتاه کنیم تا بتوانیم دست تجاوزکار استعمار و مخالفین اسلام را از حریم اسلام و قرآن کریم قطع کرده از استقلال و صیانت کشورهای اسلامی و ملت اسلام دفاع نماییم.

امید است که علمای اعلام و مراجع بزرگ اسلام از خیانت و نفوذ اجانب و عمال استعمار به حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت جلوگیری به عمل آورند، و ابادی مخالفین را که در سلک روحانیت قرار دارند و اسلام و روحانیت را به سقوط و انحطاط تهدید می‌کنند طرد و رسوا سازند؛ و اجازه ندهند که مشتی فریب خورده و دنباطلب، استقلال هزار ساله شیعه را دستخوش امیال و اغراض مخالفین اسلام و مزدوران استعمار قرار دهند. از خداوند متعال توفیقات روزافزون عموم دانشجویان مسلمان را در خدمت به اسلام و مسلمین خواهانم. والسلام علیکم و رحمۃ اللّٰه.^۴

۹ صفر ۹۳- روح اللّٰه الموسوی الخمینی.

هر آخوندی که به دربار میرفته درباری نبوده! ویژگی های آخوند غیر درباری!

یک طایفه از علماء، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطینی. با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند لکن برای ترویج دینت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق اینها متصل شده‌اند به یک سلاطینی، و این سلاطین را وادار کرده‌اند- خواهی نخواهی- برای ترویج مذهب، مذهب دینت، مذهب تشیع. اینها آخوند درباری نبودند. این اشتباهی است که بعض نویسندگان ما می‌کنند. سلاطین اطرافیان آقایان بودند. الآن هم حجره شاه سلطان حسین در چهارباغ اصفهان، در مدرسه چهارباغ اصفهان، الآن هم حجره‌اش هست. اینها او را کشاندنش تو [ی] حجره نه اینکه او اینها را کشیده است دنبال خودش. اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند. نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلاً مجلسی- رضوان اللّٰه علیه- محقق ثانی- رضوان اللّٰه علیه- نمی‌دانم شیخ بهائی- رضوان اللّٰه علیه- با اینها روابط داشتند و می‌رفتند سراغ اینها همراهی شان می‌کردند، خیال کنند که اینها مانده بودند برای جاه و- عرض می‌کنم- عزت، و احتیاج داشتند به اینکه شاه سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند! این حرفها نبوده در کار. آنها گذشت کردند؛ یک گذشت، یک مجاهده نفسانی کرده‌اند برای اینکه این مذهب را به وسیله آنها، به دست آنها [ترویج کنند]. در یک محیطی که اجازه می‌گرفتند که شش ماه دیگر اجازه بدهید ما حضرت امیر را سبّ (دشنام...) بکنیم، وقتی جلوگیری از سبّ حضرت امیر می‌خواستند بکنند- در یکی از بلاد ایران شنیدم اجازه خواستند که خوب شش ماه دیگر صبر کنید ما سبّ بکنیم- بعد اینها در یک همچو محیطی که سبّ حضرت امیر اینطورها بوده و رایج بوده و از مذهب تشیع هیچ خبری نبود و هیچ اسمی نبوده، اینها رفته‌اند مجاهده کرده‌اند؛ خودشان را پیش مردم ... مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی‌داند قضیه راه، نه [اینکه] غرض دارد، نمی‌داند قضیه را. زمان ائمه هم بودند. علی بن یقظین هم از وزرا بود. در زمان ائمه هم بودند. خود حضرت امیر را چرا نمی‌گوییم؟ بگوییم حضرت امیر هم هست؟ حضرت امیر بیست و چند

سال به واسطه مصالح عالیله اسلام در نماز اینها رفت- عرض بکنم که- تبعیت از اینها کرد، برای اینکه یک مصلحتی بود که فوق این مسائل بود. سایر ائمه- علیهم السلام- هم گاهی مسالمت می کردند. یک وقتی نمی شد، آن وقت چه می کردند. مصالح اسلام فوق این مسائلی است که ما خیال می کنیم. فوق این مطالبی است که ما خیال می کنیم. این دسته از علمایی که جانفشانی کردند و خودشان را جوری کردند که حالا شما به آنها اشکال می کنید از باب اینکه اطلاع بر واقعه ندارید؛ نه سوء قصد دارید، نه سوء نیت دارید، اطلاع از واقعیات ندارید. من هم اگر چنانچه می توانستم یک سلطان جائری را به راه بیاورم می رفتم درباری می شدم. شما هم تکلیفتان این بود که اگر بتوانید یک سلطان جائری را آدمش کنید بروید درباری بشوید. این درباری شدن نیست. این آدم سازی است. نه این است که اینها درباری شدند، اینها می خواهند آدم بسازند. من گله دارم.^۵

علمای ما از آن صدر اول تا حالا، در هر عصری قیام کردند و در تاریخ نشان می دهد که اینها [پیوسته] قیامهایی کردند و زمین خوردند. در زمان ائمه، اولاد ائمه قیام می کردند و به تحریک خود ائمه بوده؛ نه این است که ائمه اطلاع نداشتند. گاهی هم امام- علیه السلام- یک چیزی می فرموده اند برای حفظ او یا برای جهات دیگر؛ اما به حسَب واقع اینها همانها بودند و برای خاطر ائمه، آنها قیام می کردند. زید برای آن قیام آنقدر ثنا از او کردند. اگر زید یک آدمی بود برخلاف کرده بود، دیگر ائمه- علیهم السلام- چرا تعریف از او می کردند؟ چرا تأسف می خوردند اینقدر؟ ما در عصر خودمان چند تا قیام علما را سراغ داریم؛ این علمایی که اینها می گویند که درباری هستند و علمایی که، عرض می کنم که چپها و این منحرفین می گویند اینها جزء درباریها هستند. خوب، اینها مطالعه نکرده اند، سنشان هم اینقدر اقتضا نکرده، گوششان [و چشمشان] هم اینقدر باز نیست که ببینند که چند دفعه در زمان رضا شاه تا زمان محمدرضا شاه، این علمای اسلام کرده اند بر ضد پهلوی- که نفسها را در سینه ها حبس کرده بود- [کسانی] که بلند شد [ند] و قیام کرد [ند]، یک دفعه علمای اصفهان بودند، یک دفعه علمای عرض می کنم، آذربایجان بودند، یک دفعه علمای مشهد بودند، [علمای] قم بودند؛ که اجتماع می کردند و مخالفشان را اعلام می کردند.^۶

کی اینها درباری بودند؟ البته توی همه اقشار عالم چهار تا آدمی هم پیدا می شود که معوج و درباری باشد؛ توی ما هم همچو چیزی هست؛ اما این نیست که این مکتب یک مکتبی باشد برای اینکه تحذیر بکند؛ یا آن کسانی که این مکتب دستشان هست، اینها جزء اعوان ظلمه بودند و نورالسلطان بودند؟ خیر، این حرفها نبوده. اینها تبلیغات است. شما را تبلیغ کرده اند؛ یعنی به دست خود ... این نفتخوارها این تبلیغات شده است که فلان آقا انگلیسی است؛ می خواهد بشکند این را. خود انگلیسی و می دارد به اینکه [چنین] بگویند. چون می داند خودش اینقدر پست است که اگر یک کسی به او منتسب بشود، این هم پست خواهد شد. این، نخیر این انگلیسی است، این با امریکا روابط دارد، این با چه در روابط است! اینطوری، هی یکی یکی، یکی یکی را اینطور معرفی کرده اند. جوانهای ما هم- آنهايي که حسن نیت دارند- بازی خورده اند اینها. اینها از این مکتبها بازی خورده اند. کلاه سرتان رفته آقا. خیال نکنید اینها یک مکتبی است؛ مکتب توحید، مکتب است.^۷

^۵ صحیفه امام ج ۳ ۲۴۱ مسالمت علما با سلاطین برای ترویج تشیع. ص: ۳۳۹

^۶ صحیفه امام ج ۴ ۱۰۱ جوسازی علیه اسلام و روحانیت. ص: ۱۰۱

^۷ صحیفه امام ج ۴ ۱۰۳ نگاهی به زندگی پیشوایان اسلامی و رهبران کمونیستی. ص: ۱۰۱

علمای اسلام درباری نیستند. (قابل توجه برخی روحانی نماها!!) / ویژگی های آخوندهای غیر درباری!

تبلیغات اینها، تبلیغات دامنه دار اینها به اینجا رسیده است که به ملت اینطور، به جوانهای ما اینطور گفتند که این ملاها، اینها درباری هستند. خوب، این ملاها که درباری هستند چطور مشتشان را گره کرده‌اند مقابل درباری ایستاده‌اند. این مردمی که الآن همه مشتها را گره می‌کنند، دنبال علما رفتند. از علما پیدا شده این نهضت‌هایی که هست. آنها درباری [اند؟!]. البته تویشان کلاهی درباری هست، عمامه‌ای درباری هست. دوتا، سه تا، چهارتا، که همه مردم می‌شناسند همه شان آنها را؛ مردم هم می‌دانند کیست؛ اینها از علما نیستند. علمای درباری که الآن هست، چند تا معممی است که آنها درست کرده‌اند از همین سازمان امنیت، اسمش را گذاشتند ملا! کی همچو چیزی هست؟ علما درباری هستند؟!

اینها را تبلیغات اینها درست کرده که شما را از آنها جدا بکند. وقتی که قوه علما از قوه ملت جدا شد، دیگر نمی‌توانند یک کاری انجام بدهند. اینها نقشه‌هایی است که اینها کشیده‌اند؛ با اسمهای مختلف به جوانهای ما تبلیغات کرده‌اند که شما را از اسلام و از عرض می‌کنم علمای اسلام جدا بکنند. وقتی جدا کردند، هر کاری می‌خواهند بکنند.^۸

نگاهی به زندگی پیشوایان اسلامی؛ ویژگی های آخوند غیر درباری / چگونگی رهبران

کمونیستی

شما به رؤسای این مکاتب یک نظری بکنید: ما وقتی نگاه می‌کنیم به خود پیغمبر که این مکتب را آورد، زندگی‌اش چه جور است؛ به امیرالمؤمنین که خلیفه صحیح پیغمبر است، شما ببینید چه جور زندگی این داشته؛ سلطان بوده، سلطنتش تقریباً یک دامنه بسیار وسیع، چندین مقابل ایران، از حجاز گرفته تا برود افریقا و کذا، همه جاها را این سلطنت داشته است؛ آن وقت زندگی‌اش را ببینیم چه است، که روزش چه جور می‌گذشته، شیش چه جور می‌گذشته، چه جور زندگی می‌کرده، چه وضعی داشته است، عبادتش چه جور بوده، توجهش به مردم چه جور بوده، با ضعفا چه جور بوده. غصه می‌خورد که مبدا من نان جو می‌خورم، می‌ترسم که یک نفری در سر حد کذا، در یمامه، در کجا، یک وقتی کم داشته باشد، کم خوراک داشته باشد. اینها از بس که می‌خورند، این رؤسایی که شما بازی شان را می‌خورید، از بس که می‌خورند تُخْمَه (ناراحتی معده، ناشی از پرخوری...) دارند! آن رئیس، رهبر چین، وقتی که وارد ایران می‌شود، از روی کشته‌های ما رد می‌شود؛ این آدم چه است، این رهبر خلق! از روی این آدمها و کشته‌های ما رد می‌شود. همین چند روز که وارد ایران شد، می‌داند چه است قضیه. شاه نتوانست او را از خیابانها ببرد برای اینکه فریاد مردم- که مرده باد کذا- نمی‌گذاشت که این را ببرد. او هم می‌دانست قصه چیست، با هلیکوپتر این را برداشتند بردند رساندند او را به محل خودش. یک همچو آدمی که ادعایش این است که ما کمونیست کذا هستیم و با مردم کذا هستیم و با توده کذا هستیم، این

^۸ صحیفه امام ج ۴ ۱۹۹ علمای اسلام درباری نیستند. ص : ۱۹۹

مردم را می‌بیند فوج فوج این آدم کشته، مع ذلک می‌آید با او دست می‌دهد و خواهرش هم دعوت می‌کند به ... آنجا که قبلاً بود و این حرفها.

اینها بازی می‌دهند شما را آقا! آن رئیس کمونیست را آن وقتی که جنگ عمومی بود (جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ ه. ش) خوب من یادم است- شما شاید یادتان نباشد- من یادم است که متفقین وقتی رؤسایشان آمدند به ایران، چرچیل با همان اتومبیل خودش آمد رفت آنجا، روزولت هم با یک ترتیب معمولی آمد؛ ولی استالین از آنجا که بارش کردند، گاوش را هم آوردند که مبادا یکوقتی یک شیری بخورد که اشکالی داشته باشد! حتی گاوش را همراهش آوردند! در صورتی که من خودم این را دیگر دیدم؛ این مسموعاتی بود که آن وقت معروف شد که اینها گاوش را هم آوردند. من خودم این را دیدم که لشکر او؛ یعنی [نیرو] هایی که آنها فرستاده بودند، لشکرهای آنها- از تقریباً بین راه خراسان تا خراسان و آن طرفها مال شوروی بود- من خودم در راه خراسان دیدم که اینها برای یک سیگار می‌آمدند گدایی می‌کردند. آن وقت «قارداش» می‌گفتند به آنها! برادر! برادر! چه برادری؟ برادری که با این مکتب می‌خواهد این بیچاره‌ها را خواب کند و از آنها بخورد.

کمونیستی مخدر است، نه قرآن. قرآن که همه رؤسایش با آنهاهی جنگ کردند که ظالم بودند؛ و خود [پیشوای اسلام] وقتی که زندگی می‌کند، یک زندگی عادلانه که کمتر از مردم، نه عادلانه، دون مردم زندگی می‌کند. این مکتب مکتب است، نه آن مکتبی که خودش گاوش را همراهش می‌آورد و شیر گاوش را می‌خواهد بخورد و مردم را می‌خواهد ببلعد و ظلمش از همه [بیشتر است]. چرتکه می‌اندازد! آقای لنین ... گفته‌اند که چرتکه می‌انداخته است که ... یکی یکی افراد، هر که به اندازه خرجش در می‌آورد حق زندگی دارد؛ هر که کسر دارد این را بکشید! بیندازیدش توی دریا! این تروست؛ این آدم دوست و این خلق پرور، این است! این چه کار دارد به آن مکتبی که به ضعفا بیشتر از اغنیا، به بیچاره‌ها- آنهاهی که نمی‌توانند کار انجام بدهند- بیشتر از [توانمندان] نظر دارد، بیشتر از بزرگان نظر دارد. اداره می‌خواهد بکند اینها را، از خرج [بیت المال] به آنها بدهد و اداره شان بکند ..^۹

کذب شعار این آخوندها همه درباری‌اند

در داخله هر مملکتی، مثل حالا [ی] مملکت ایران، کوشش کردند به اینکه در داخله ایران از راههای مختلف یک کارهایی بکنند که قوا با هم مجتمع نشوند. آخوند را پیش مردم زمان رضا شاه همچو مبتذل کرده بودند که آخوند نمی‌توانست از خانه [بیرون بیاید]، نه از دست دولت، از دست مردم! مردم را این جور کرده بودند «این آخوندها همه درباری‌اند!» آن دربار داشت آخوندها را می‌کوبید، از آن طرف، اینها می‌گفتند اینها درباری‌اند! دربار آخوندهای ما را، ملأهای ما را داشت می‌کشت، در حس می‌برد می‌کشت، از آن طرف هم ملت می‌گفت: اینها همه درباری‌اند. تزییق کرده بودند آنها که این ملأ که ممکن است در مقابل قدرتها بایستد، باید بشکنند او را در بین ملت خودش، ملت را از او جدا بکنند؛ وقتی که جدا کردند از خودش، قوه نیست دیگر در کار. یک کسی که جلو بیفتد و کار بکند و ملت هم با او همراه باشد نیست. آخوند است؛ آخوند باید شکسته بشود.

اكتفاى به آخوند نكردند [گفتند]: اسلام افیون است! دین اصلاً افیون است! این دینی که همه تحرکها به واسطه دین است؛ قرآنی که آیات قتالش آنطور روشن است، آیات تحرکش آنطور روشن است، اسمش را می‌گذارند «افیون»؛ یعنی می‌خواهد مردم بیچاره را بخواباند تا قدرتمندها بخورند. قرآنی که به جنگ قدرتمندها آمده است، اینها می‌گویند قدرتمندها درست کرده‌اند که بیچاره‌ها [را] بخورند! آن نبی اکرم و سایر کسانی که اسلامی هستند، جنگهایشان با همین قدرتمندها بوده است؛ مع ذلک تزریق کرده‌اند که قدرتمندها آوردند این راروی کار! اینها نقشه هاست برای اینکه شماها را جدا کنند، خودتان را از هم و شما را از قرآن جدا کنند. قرآن یک سدی است که اگر به آن تشبیه (چنگ زدن) کنند- و کرده بودند- مسلمین به این گرفتاری [مبتلا] نمی‌شدند. قرآن را ما رها کردیم، این سد را ما به آن تشبیه نکردیم، رسیدیم به اینجا که از هر طرف توی سر ما دارند می‌زنند. از هر جا که سر بلند کنید یک مأموری گذاشتند توی سر ما می‌زنند.

این محمدرضا شاه خودش گفت که متفقین صلاح دیدند که ما باشیم! پریروز هم که وزیر خارجه انگلستان گفت که ایشان برای ماست، خوب، ایشان منافع ما را دارد حفظ می‌کند، چطور ما از او [پشتیبانی] نکنیم؟ ما می‌دانیم که ایشان منافع شما و امریکا را دارد حفظ می‌کند! داد ملت همین است که ایشان آمده برای اینکه منافع که خدمت به وطن بکنند! «مأموریت» برای وطن دارد! (اشاره به کتاب «مأموریت برای وطن».) مأموریت از طرف امریکا دارد و انگلستان، باید مردم را اینطور کند؛ باید ایران را عقب نگه دارد، فرهنگ ایران را بشکند، روحانیت ایران را بشکند، اسلام را عقب بزند، تاریخ اسلام را تغییر بدهد. شما خیال کردید کم کاری کرد این خبیث از اولی که این جنایت کرده تا آخر، هر جنایتی بکند یک طرف، تغییر تاریخ اسلام یک طرف. این کم جنایتی بود که این مرد کرد؟ آنها همه دست به هم دادند برای اینکه این سدها را بشکنند. و الآن که ایران قیام کرده است و همه یکصدا دارند می‌گویند که مرگ بر این سلطنت، الآن اختلافات، چه در خارج کشور، چه در داخل کشور، انتحار است، خودکشی است. اختلافات بین طبقات روشنفکر و غیرروشنفکر، در دانشگاه بین این جمعیت و آن جمعیت، الآن اختلاف بین اینها یک انتحاری است، یک خودکشی است، مملکت را به باد دادن است، خیانت است بر مملکت، خیانت است بر اسلام. برای چی اختلاف دارید؟ چرا شما، یک عده‌ای که آمدید در خارج کشور زحمت می‌کشید، با هم مختلف هستید؟ جمع بشوید، با هم اجتماعات داشته باشید، یک راه بروید، همه‌تان یک صدا داشته باشید، همه‌تان؛ تا این به صورت سیل درآمد و این سیل بنیان کن بکند بنیان این سلسله را و آنهاهی که منافع ما را به واسطه اینها از بین می‌برند. ان شاء الله خداوند همه شما را محفوظ نگه دارد و همه ما را ان شاء الله عفو کند. [آمین حضار].^{۱۰}

روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای

درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند

باید علما و روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامگیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست

^{۱۰} صحیفه امام ج ۴ ۲۴۱ مبارزه با اسلام و روحانیت، نقشه قدیمی استعمار. ص : ۲۴۰

چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دو چهره‌ها و روحانی نمایان و دین به دنیا فروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امت‌های اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بیخبران هستند که حکومت جابران و ظلم سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادیخواهان در راه خدا حکم می‌دهند، که خداوند همه ملت‌های اسلامی را از شرور و ظلمت این نااهلان و دین فروشان نجات دهد ..

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحن اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه است، هر چند که این بلیه دام‌گیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیست‌ها و زراندوزان و سرمایه داران با ایجاد روابط گرم با جهان‌خواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملاً نض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند و با القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده‌های محروم باوراندانند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الّا راهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پر خوری و اسراف و تعیش‌ها جان‌شان به لب آید. به هر حال این مصیبتی است که جهان‌خواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریت‌ها و وابستگی، به وضعیت آسفبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند. البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرح‌ها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولوبیتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش استعداد‌های خفته و سرکوب شده پابرنه‌گان را فراهم می‌کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه

فخر فروشی و مباحات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق گویبها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند.^{۱۱}

حضرت امیر درباری بوده است؟! / اینها چه جور آدمهایی بودند؟ / چه جور زندگی می‌کردند؟

پس، ما متن اسلام را که مطالعه بکنیم این جور نبوده است که متن اسلام آمده است که سلاطین را تسلط بدهد بر فقرا، بر طبقه بعد؛ قدرتمندها را سلطه بدهد بر غیر قدرتمندها. متن اسلام این جور نبوده. آنهایی که دعوت به اسلام می‌کردند، مثل خود پیغمبر و بعدش - مثلاً - خلفای اولی که یکجور دیگری بودند و بعدش حضرت امیر - سلام الله علیه - اینها چه جور بودند؟ اینها چه جور آدمهایی بودند؟ چه جور زندگی می‌کردند؟ آیا اینها هم از آنها بودند که مآی درباری بودند؟! مثلاً پیغمبر درباری خودش بوده؟! یا پیغمبر با دربارها جنگ کرده، دربارها را شکسته؟ حضرت امیر درباری بوده است یا حضرت امیر هم جنگ کرده با یک قدرتی که متشبه به اسلام هم بوده، مثل معاویه؟! که حجت ما الآن بر این نزاعی که بین، بر این مبارزه‌ای که بین مسلمین و بین این دستگاه فاسد است، حجت ما بر جواز این و لزوم این عمل، حضرت امیر - سلام الله علیه - است و عمل سیدالشهداء - سلام الله علیه؛ که دو نفر آدمی که اینها قدرت داشتند، آن شامات (سوریه) را آنها گرفته بودند و تحت قدرتشان بود و جنگها - چیزها داشتند، فوجهای ... چرا این کار را کرد؟ اینها که مسلمان بودند. حالا کسی به ما بگوید خوب، این مردکه، که قرآن چاپ کرده است! این مسلمان است؟! ما حجتمان بر اینکه اگر چنانچه این مبارزه را ادامه بدهیم و صد هزار نفر از ما کشته بشود، برای دفع ظلم اینها و برای اینکه دست آنها را از مملکت اسلامی کوتاه کنیم ارزش دارد، حجتمان هم کار حضرت امیر - سلام الله علیه - و کار سیدالشهداء - سلام الله علیه - است. یزید هم یک قدرتمند بود و یک سلطان بود - عرض می‌کنم که - همه بساط سلطنت را یزید داشت. بعد از معاویه او بود دیگر. حضرت سید الشهداء به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ با «ظلم الله» طرف شد؟! «سلطان را نباید دست زد!» به چه حجت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصری که شهادتین را می‌داد و می‌گفت من خلیفه پیغمبر هستم! برای اینکه یک آدم قاچاق بود! برای اینکه یک آدمی بود که می‌خواست این ملت را استثمار کند، می‌خواست بخورد این ملت را، منافع ملت را می‌خواست خودش بخورد و اتباعش بخورند. آنقدری که او خورد بیشتر است یا اینقدری که این آقا می‌خورد؟! حساب باید کرد.

اینها هم عبارت از آن کسانی که در صدر اسلام بودند و اسلام با دست اینها قدرتمند شده و بسط پیدا کرده. خود پیغمبر با قدرتمندها جنگ کرده، و بعدش هم آنهایی که صدر اول بودند باز با قدرتمندها و سلاطین جنگ کردند، بعدش هم حضرت امیر با قدرتمندها جنگ کرده. کجایش افیون بوده؟ کجا اینها درباری بودند؟

^{۱۱} صحیفه امام ج ۲۰ ص ۳۴۰ پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام (برائت از مشرکان). ص : ۳۱۱

می گویند که ما می خواهیم که یک مملکتی باشد دموکراسی باشد. شما حساب بکنید که، ببینید که اسلام - حساب صدر اسلام را می خواهیم بکنیم که متن اسلام است، ... اسلام و متن اسلام است - ببینیم که آیا این حکومت اسلام و این رژیم اسلام یک رژیم دموکراسی بوده یا یک رژیم قلدری و استبداد بوده؟ شما این قصه هایی را که تاریخ نقل کرده است (این قصه ها زیاد است اما حالا یکی دوتا قصه) این قصه هایی که تاریخ نقل کرده، شبیه آن را در یکی از ممالک که در درجه اول از دموکراسی را دارد بیاورید، بعد بگویید که این بهتر از آن است. یک قصه مال رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم (قصه هاست منتها حالا من یکی اش را می گویم) یک قصه مال حضرت امیر - سلام الله علیه - یک قصه مال عمر. وقتی که عمر می خواست برود به مصر - برای [اینکه] فتح کرده بودند مصر را و قدرتمند شده بود اسلام، همه جا را گرفته بودند - می خواست وارد بشود به مصر، یک شتر بود، خودش بود و یکی هم همراهش. یکی شان سوار این شتر می شده آن یکی جلوی او را می گرفت و می برد؛ آنکه خسته می شد - قسمت کرده بودند این سوار می شد. آن وقتی که وارد - به حسب تاریخ - مصر شدند، نوبت آن غلام بود که سوار باشد و آقای خلیفه جلو [شترش] را گرفته بود و داشت می بردش که مردم مصر آمده بودند به استقبال! خلیفه عبارت از این بود. ما عمر را قبول نداریم اما این عمل عمل اسلامی آن وقت بوده؛ یعنی نقش اسلام بوده است ولو خودش یک آدمی بوده که ما نپذیرفتیم او را اما عملی که کرده است عملی بوده که نقش اسلام این بوده، یعنی پیغمبر هم این صورت بود؛ یعنی پیغمبر هم سوار یک الاغی می شده، یک کسی هم پشتش می نشسته و مسئله برایش می گفته؛ آن را تعلیمش می کرده، آنکه پشت سرش نشسته بوده تعلیمش می کرده. شما در تمام این دموکراسیها بیاورید که این جوری باشد که سلطان وقت، که سلطنتش چند مقابل ایران بوده، چند مقابل فرانسه بوده، شما بیاورید یک سلطان دموکراتی که با غلام خودش این جوری رفتار بکند که او سوار بشود؛ یک شتر باشد و چیزی بیشتر از این نه؛ آن جمال و جلال هیچ نباشد در کار. هر سلطان دموکراتی را که بیاورد اگر بخواهد وارد یک مملکت شکست خورده بشود، ببینید چه جوری وارد می شود! ببینیم چه جوری وارد می شود! این هم وارد شده در یک مملکتی که فتح شده است، سوار شتر غلام است - حالا نوبت اوست - خودش دستش را جلو گرفته و افسار شتر را دارد می کشد. آمدند اشراف مصر آنجا و ... همه هم تعظیم کردند به او. این تعلیم اسلام بوده. خود پیغمبر اکرم وقتی که در یک جمعیتی بودند و نشسته بودند و می خواستند مثلاً مسأله بگویند و صحبت بکنند و قضاوت بکنند و همه کارها، وضع جوری بوده است که کسی وارد می شد از خارج، نمی شناخت، نمی دانست کدام یکی آقا است - عرض می کنم که - سلطان به اصطلاح هست و کدام یکی رعیت است. اینها دور هم نشسته بودند با هم گدغه کرده بودند، صحبت می کردند، هیچ معلوم نبود که پیغمبر این است یا این است یا اوست ... نشسته بودند. این مسند هم که برای من - شما برای من درست کردید، این هم نبوده؛ روی زمین می نشستند. همین روی زمین می نشستند، همان روی زمین ناهارشان را می خوردند - آن هم آن ناهار! شما خیال کردید یک ناهاری درست می کردند، سفره می انداختند، یک بساطی بوده؟ همان آدمی که، همین حضرت امیری که، سلطنتش بیشتر از چند مقابل ایران بوده، سفره اش چی بوده؟ یک ظرفی بوده که توی آن نانهای جو بوده و سرش را هم مهر می کرده که مبادا دخترش مثلاً یا پسرش ترجم کنند و توی این یک چیزی بریزند؛ یک چربی، یک روغنی که یک خرده نرم بشود. سرش را مهر می کرده که

دست به آن نزنند. این نان خشک خوراک این امپراتور بوده که از مملکت ایران بیشتر تحت امپراتوری اش بوده؛ آن [هم] سلوکش که گفتم.^{۱۲}

اگر انحرافی از بعضی اشخاص مُلبَس به این لباس واقع بشود، ممکن است این پای اسلام

حساب بشود

حوزه‌ها باید توجه داشته باشند که در این وقت، در این حالی که الآن ما واقع هستیم و دشمنها می‌خواهند خرده گیری کنند، خصوصاً نسبت به اهل علم و علما و فضلا و طلاب، باید بسیار توجه داشته باشند که اگر خدای نخواستہ در این زمان - که اینها مورد بررسی هستند و مورد توجه هستند - اگر خدای نخواستہ یک انحرافی از بعضی اشخاص مُلبَس به این لباس واقع بشود، ممکن است این پای اسلام حساب بشود. در رژیم سابق اگر چنانچه یک معمم، یک مُلبَس به این لباس، یک کار خلاف انجام می‌داد، معلوم نبود به اسلام نسبت بدهند؛ می‌گفتند این منحرف است، این ساواکی است، این درباری است. الآن که رژیم رژیم جمهوری اسلامی است و همه نظرها به شما دوخته شده است، اگر خدای نخواستہ یک انحرافی واقع بشود در مدارس، در کمیته‌ها، در جاهای دیگر، در دادگاهها، این پای اسلام حساب می‌شود. گفته می‌شود که جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هم همینهاست؛ همین است که می‌بینید. و لهذا امروز تکلیف ما بسیار سنگین است. تکلیف ما حفظ وجهت اسلام است. تکلیف ما این است که با اعمال خودمان، با گفتار و رفتار خودمان اسلام را ترویج کنیم و وجهتش را حفظ کنیم؛ و اگر خدای نخواستہ یک انحرافی باشد باید جلوگیری کنید. اگر یک شخصی را دیدید که از وظیفه اهل علم، از وظیفه انسانی - اسلامی تخطی می‌کند، او را نهی کنید. اگر نمی‌شوند، کنار بگذارید. باید همه به وظیفه اسلامی عمل کنیم، به دست دیگران فرصت ندهیم، بهانه ندهیم دست دشمنان که ما را آلوده کنند و بگویند که اهل علم، یا دیکتاتور هستند یا انحرافات دارند یا برای خودشان می‌خواهند یک بساطی درست کنند. امروز بسیار مسئله مهم است و با سابق بسیار فرق دارد. باید آقایان همان طوری که در تحصیل علم کوشا هستند، در تهذیب اخلاق، در اعمال، در عقاید، در فضایل اخلاقی کوشا باشند؛ که علم بدون عمل و بدون تقوا بسیاری از اوقات مُضَر است. باید عالِم متقی باشد و متوجه به خدای تبارک و تعالی باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند. باید خودش تربیت شده باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند.^{۱۳}

خدایا، به فریاد اسلام برس! / اعتبار مکتب ما، بسته به اعمال ما.

خدایا، به فریاد اسلام برس! امروز [مبادا] که مکتب ما منحرف جلوه داده بشود؛ یا از اعمال من و شما؛ یا از اعمال کمیته‌ها؛ یا از اعمال دادگاهها؛ یا از اعمال ادارات و وزارتخانه‌ها، و امثال ذلک، رژیم سابق برای ما خطر نداشت. رژیم سابق ادعا نمی‌کرد که من [اسلامی هستم] ادعایش را می‌کرد، لکن کسی از آن قبول نمی‌کرد. رژیم سابق خطری نداشت. اگر معمومی در رژیم سابق یک کار خلاف می‌کرد، می‌گفتند این ساواکی است؛ این

^{۱۲} صحیفه امام ج ۴ ص ۳۲۶ سلوک پیامبر و جانشینان وی. ص: ۳۲۳

^{۱۳} صحیفه امام ج ۸ ص ۳۰۳ وظیفه خطیر روحانیون در جمهوری اسلامی. ص: ۳۰۲

درباری است؛ این ساواکی است. امروز که ساواکی در کار نیست و همه دفن شده‌اند، اگر از شما آقایان یک چیزی صادر بشود، می‌گویند جمهوری اسلامی این است. مکتب ما متزلزل می‌شود. مسئولیتتان زیاد است آقایان! خیال نکنید که بروید یک حرفی بزنید، و چیزی نشده. خیر، هر یک از شما مسئولیت دارید، و مسئولیت بزرگ خیلی بزرگ. امروز مکتب ما بسته به اعمال ماست. مکتب ما بسته به اعمال روحانیین است. اگر روحانیین سابق خدای نخواستند یک حرف خلاف، یک کار خلاف می‌کردند، مردم خود او را یک طعن و لعنی می‌کردند، ولو یک دسته‌شان هم می‌گفتند روحانیون این جورند. آخرش این بود که می‌گفتند روحانیون این جور [هستند]؛ اما رژیم رژیم اسلامی نبود. نمی‌گفتند رژیم اسلامی. نمی‌گفتند مکتب اسلام اینطوری است. امروز قلمهای دشمنهای ما در خارج، و گاهی در داخل، برداشته شده است، قلمفرسایی می‌شود که مکتب ما را بد جلوه بدهند.^{۱۴}

معمّمهایی داشتیم که از سازمان امنیتها بدتر بودند

من نمی‌گویم صد درصدِ مُعمّم درست است. ما معمّمهایی داشتیم که از سازمان امنیتها بدتر بودند! من روحانیون را می‌گویم. آنها به طور مطلق می‌گویند روحانیون اینطور هستند. و من عرض می‌کنم نه، مسئله این نیست. من نمی‌خواهم بگویم که هرکس عمامه سرش گذاشت این روحانی است و هرکس عمامه سرش گذاشت این مخالفت کرده. نه. خیلی از عمامه به سرها هم موافقت کرده‌اند؛ زیاد هم موافقت کرده‌اند؛ اما [اینکه] روحانیون مطلقاً اینطور بودند صحیح نیست. این هم برای این بود که این قدرت را بشکنند. و وقتی که این قدرت را شکستند، از آن طرف اسلام را در نظر مردم کوچک کردند، از این طرف روحانیون را در نظر مردم کوچک کردند، این دو قدرت را از ما گرفتند، آن وقت هر کاری می‌خواستند می‌کنند.^{۱۵}

ما نمی‌خواهیم بگوییم که همه روحانیون ملائکه الله هستند

ما نمی‌خواهیم بگوییم که همه روحانیون ملائکه الله هستند، لکن آن قشری که اسلام را می‌تواند بفهمد چی هست، آن قشری که همه زحمتش در اسلام بوده است، آن قشری که عمرش را صرف کرده است در این اتناقهای مرطوب کذا، با آن فشارهای زمان رضاخان و زمان بعد از رضاخان، برای به دست آوردن احکام اسلام؛ آن طایفه بود. این طایفه را از دست ندهید آقا! این اشتباه را نکنید؛ من در نجف هم که بودم در یک منبر مفصل هم گله کردم از روحانیون و هم گله کردم از شما. از آنها گله کردم به اینکه شما این قشر جوان را که مقدرات مملکت ما بعداً دست اینهاست از دست ندهید. گله کردم از این طایفه، این قشری که قدرت دستشان هست. همه این جمعیتها که می‌بینید الآن راه می‌افتند، دنبال روحانیون راه می‌افتند. شما اینها را اگر از دست بدهید

^{۱۴} صحیفه امام ۸ ج ۳۳۷ اعتبار مکتب ما، بسته به اعمال ما. ص : ۳۳۶

^{۱۵} صحیفه امام ۸ ج ۴۵۹ دین، افیون جوامع بشری نیست. ص : ۴۵۵

این جوانها را از دست داده اید. نمی‌توانید کاری بکنید، قشر روشنفکر نمی‌تواند کار را انجام بدهد. هر چه هم بخواهد انجام بدهد کسی همراهش نیست. اینها ایند که می‌توانند کار را انجام بدهند. روحانیون باید از قشر جوان روشنفکر قدردانی بکنند. و آن مسائلی که سابق بود که اینها یک مشت فُکلی بی‌دین هستند- که سازمان امنیت می‌آورد طرح می‌کرد تا ما را از شما جدا کند- آن قشر هم یک مردم فرصت طلب درباری هستند و انگلیسی هستند و اینها حرفهایی بود که ما را از شما جدا کردند. شما را از ما جدا کردند و خودشان استفاده هایشان را کردند ..^{۱۶}

این آخوندهای درباری اسلام را جز خوردن چیزی نمی‌دانند؛ همان مسائل حیوانی.

بله، اسلام اجازه داده به اینکه یک کسی اگر مسلمان شد و به آداب اسلامی‌اش رفتار کرد، و فهمیدید که مسلمان است و اینها، او را قبول کنید از آن. ایشان- خودش را- دست بردارد از این کارها، و از مملکت عراق هم دست بردارد و بشود یک نفر مثل افراد عادی، و توبه کند و بگوید من مسلمان شدم حالا

الإسلامُ یَجِبُ ما قَبْلَهُ («اسلام آنچه را که قبلاً بوده، می‌پوشاند»/بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۷۱، ح ۰۷)

و اما خدا همچو قلبهای اینها را- در آن- مَهر زده است و سیاه کرده است به واسطه اعمال خودشان، که اینها دیگر قابل اصلاح نیستند. هیچ قابل نیستند. اینها دیگر نمی‌توانند اصلاً توبه کنند.

اینها کارهای خودشان را، یعنی آدمکشی را، آطور جنایت را ایشان تبریک گفته، به اینهایی که جنایتها را کردند، این اصلاً قابل اصلاح نیست. و ما هم حق نداریم اصلاح کنیم. فرضاً من بخواهم، فرض کنید شهوت نفسانیم اقتضا کند، اما تکلیف الهی را چه بکنیم؟ ما مکلف هستیم، ما همان طوری که با محمدرضا نمی‌توانستیم اصلاح بکنیم، جواب نداشتیم از اینهایی که شصت هزار جمعیت از آنها مرده است و کشته شده و شهید شده، اگر آن پیرمرد ...، من بعضی وقتها به کسانی که خیرخواهی می‌کردند، می‌گفتم خوب، من جواب این پیرزنی که جوانش را از دست داده، چه بگویم؟ ما بیاییم آقای محمدرضا را با او مصالحه کنیم به اینکه او حکومت نکند، سلطنت بکند!! معنی سلطنت این است که ایشان آن بالاها بنشینند و ما اعلیحضرت آریامهرش را بگوئیم و- عرض می‌کنم- همه تشریفات و همه تجلیلات را از او بکنیم، منتها او دیگر تو سر ما نزن. من می‌گفتم، من جواب این پیرزنی که آمده می‌پرسد از من که تو چکاره بودی که جوان من از دستم رفت، تو او را اعلیحضرت همایونی می‌خوانی؟ الآن هم همان حرف است. ماها چکاره‌ایم که برویم بنشینیم با اینها صلح کنیم. این دنیایی که هی فریاد می‌زند به اینکه بیایید با ما مصالحه کنید و به اسلام برگردید، اینها اسلام را مثل اینکه شناختند ..

بعضی از این آخوندهای درباری که ما را نصیحت می‌کنند که بیایید به اسلام برگردید. اینها اسلام را نمی‌دانند چه است. اینها اسلام را جز خوردن چیزی نمی‌دانند.

همان مسائل حیوانی. اگر اینها اسلام را می‌دانستند، اینها که می‌دانند که مردک، این حزب عقلی مسلمان نیست، و هجوم کرده به یک مملکت اسلامی، تکلیف آن کسی که هجوم می‌کند به مملکت اسلامی، تکلیف

همه مسلمین است که به او هجوم کنند. تازه آن آخوند درباری می گوید که بیایید با هم به اسلام برگردید!! آخر تو بیا به اسلام برگرد. تو بیا بفهم اسلام چه است. اگر اسلام خلاصه می شد در اکل و شرب و مآرب حیوانی، آن وقت بله باید بیاییم با هم بنشینیم به آن اسلامی که شما می گوید برگردیم. اما اسلام آن است که آن شهدا را داده است. اسلام آن است که برای رسیدن به مقصد، آن همه زحمت را نبی اکرمش و اولیایش متحمل شدند. حالا ما برای اینکه چند نفر جوان از دستان رفته- با اینکه خیلی عزیزند- از اسلام دست برداریم و برویم بنشینیم مصالحه کنیم؟ ما و ملت ما همانی است که در این خیابانهای تهران و در شهرستانهای دیگر آنهمه جوانها را از دست داد و مصالحه نکرد. در صورتی که همه قدرتها دست آن شخص خبیث بود و دنبال کرد مقصد خودش را تا به مقصد رسید. جوانهای ما اینها هستند. مردم ما، زن و مرد ما اینها هستند که دنبال مقصد و مکتبشان هستند و مصالحه نخواهند کرد با هیچ قدرتی و با هیچ ابر قدرتی.^{۱۷}

وعاظ السلاطین (واعظان و آخوندهای درباری) از سلاطین جور، سیاهروی ترند

امروز دست جنایتکار امریکا و دیگر قدرتهای چپاولگر از آستین بعضی عمال سر سپرده و از خدا بیخبرشان بیرون آمده و از داخل و خارج با اسلحه و قلمهای بدتر و جنایت بارتر از سلاحهای گرم به این ملت مظلوم حمله ور شده و در صدد شکست انقلاب اسلامی و شکست اسلام عزیز بر آمدهاند و از هیچ تهمت و افترا به ملتی که جز به احکام اسلام و قرآن کریم فکر نمی کنند، خودداری نمی کنند، و با بهانه های بسیار موهوم، به سرکوبی این انقلاب اسلامی بپا خاسته اند. آنان که از اسلحه گرم برخوردارند همچون صدام، با اسلحه و آنان که سلاح گرم ندارند، با قلمهای زهرآگین- که از سلاح گرم جنایت بارتر است- ملت مظلوم ما را زیر ضربات خود قرار داده اند

..

طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می برند و عمال از خدا بیخبر آنان از آن جمله وعاظ السلاطین (واعظان و آخوندهای درباری) که از سلاطین جور، سیاهروی ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می زنند و گریبان چاک می کنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می دارند. و اخیراً در بوقهای تبلیغاتی تهمت مفتضحانه رابطه ایران با اسرائیل و خریداری اسلحه را پیش کشیده اند به امید آنکه اعراب را از ایران جدا کنند و بین مسلمانان دشمنی ایجاد نموده راه را برای ابرقدرتها باز و سلطه آنان را هرچه بیشتر افزایش دهند، لیکن چه شخص مطلعی است که نداند دشمن سرسخت اسرائیل بوده و هست، و نداند که یکی از موارد اختلاف ما با شاه مخلوع، روابط دوستانه او با اسرائیل بود. و چه کسی است که نداند ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه ها و اعلامیه ها اسرائیل را همدریف امریکا در ستمگری و دنباله او در تجاوز و غارتگری محکوم کردیم. و کیست که نداند در طول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی، ملت مسلمان ایران، اسرائیل را در ردیف امریکا دشمن خود خواند و نفت را بر روی آنان بست و خشم و نفرت خود را نثار هر دو کرد.

تعجب که این نغمه مشئوم (نامبارک و شوم) از گلوی امریکا مادر نامشروع اسرائیل و صدام برادر کوچک بگین سرداده شد و بوقهای تبلیغاتی آنان، خصوصاً امریکا به طور وسیعی در پخش آن کوشیدند، چه! که آن ضربه که این دو از اسلام واقعی خورده‌اند، دیگران نخورده‌اند، و آن نگرانی که آنان از وحدت برادران مسلمان عرب با ایران دارند، دیگران ندارند. امریکا نگران منافع خود در منطقه است و صدام نگران سقوط و ننگ ابدی برای خویش است. باید مسلمانان و خصوصاً برادران عرب ما بدانند که مسئله، اسرائیل و ایران نیست، مسئله اصلی برای جهان‌خواران شرق و غرب، اسلام است که می‌تواند مسلمانان جهان را تحت پرچم پر افتخار توحید مجتمع و دست جنایتکاران را از کشورهای اسلامی و از سلطه بر مستضعفان جهان کوتاه و مکتب ارزشمند و مترقی الهی را بر جهان عرضه نماید. جهان عرب باید بداند امروز ضربه‌ای که صدام و سادات به آنها زده‌اند چنان وحشتناک است که تنها با اتحادشان می‌توانند جبران نمایند. امروز سادات با دستگیری وسیع برادران مسلمانان در مصر خدمت خود را به اسرائیل به اتمام رسانده است. اتحاد او با امریکا و اسرائیل آبروی ملت عرب را ریخته است. اتحاد با اسرائیلی که این روزها علاوه بر جنایاتش در منطقه، دست به جنایت بزرگ دیگری زده است و آن حفاری در مسجد اقصی قبله اول مسلمین است که با سست شدن پایه‌های این مسجد خدای ناکرده قبله اول مسلمین خراب خواهد شد و اسرائیل به آرزوی پست خود خواهد رسید ..

هان‌ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.^{۱۸}

ما گله‌مان از این آخوندهای درباری فاسد است و از این دولتهایی که مثل آن آخوند را به نوکری خودشان می‌پذیرند

در همین قضیه مولد حضرت رسول - سلام الله علیه - که از طرف بعضی از علمای ایران؛ آقای منتظری (حسینعلی منتظری) دعوت شده است به اینکه از دوازدهم تا هفدهم شرکت کنند همه مسلمین در جشن تا وسیله وحدت بین مسلمین باشد، باز می‌بینیم که یک بوقی از یک آخوند بسیار بی‌توجه به مسائل اسلام و وابسته به دیگران فریاد می‌زند که شرک است احترام به پیغمبر، شرک است جشن گرفتن، منتها او ایران را محکوم می‌کند و معلوم است چرا. یک آخوند که بسته به دربار است و مقاصد آنها را می‌خواهد اجرا بکند، در مقابل مسلمین می‌ایستد و اعلام می‌کند به اینکه احترام به رسول خدا شرک است، این آخوند معنی شرک را نمی‌فهمد. اگر احترام به رسول خدا شرک است، پس اول مشرک خود پیغمبر اکرم است و اول مشرک خدای تبارک و تعالی است که احترام پیغمبر را تا آنجا بالا برده است که در نمازها اسم او هست و اگر نباشد در بعضی جاهایش، باطل می‌شود نماز. اگر بعد از شهادت یا فوت حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - اگر بعد از فوت ایشان به نظر این آخوند و دوستان نادان این آخوند وابسته به دربار، احترام پیغمبر شرک است، پس در نماز که بعد از فوت رسول اکرم همه مسلمین می‌خوانند و سلام به رسول اکرم می‌دهند، همه مسلمین، حتی خود آخوند

هم مشرک است اگر نماز بخواند. این نیست الا اینکه مأمورند این نحو معممین که خودشان را به عنوان مفتی جا زدند در بعضی از بلاد مسلمین، مأمورند که ایجاد اختلاف بکنند. از ایران صدای وحدت بلند می‌شود و از حجاز صدای اختلاف. از مرکز وحی که رسول اکرم در آنجا مردم را دعوت به اعتصام به جبل الله و وحدت فرموده است، یک آخوند درباری صدای نفاق برمی‌دارد و فریاد نفاق‌انگیزی می‌کشد و این ایران که به نظر آن آخوند مشرک هستند، ندای وحدت از این ایران بلند می‌شود. جشن برای رسول اکرم آیا کجایش شرک است؟ شرک را نمی‌داند چیست؟ یا می‌داند و می‌خواهد بین مسلمین ایجاد اختلاف کند؟ ما گله‌مان از این آخوندهای درباری فاسد است و از این دولتهایی که مثل آن آخوند را به نوکری خودشان می‌پذیرند. امریکا روی مقاصد خودش باید آن کارها را بکند، روی مقصد فاسد خودش باید ایجاد اختلاف بکند؛ لکن این آخوندها چرا و این دولتها چرا؟ شما که حربه نفت در دستتان هست و اگر یک روز نفت را ببندید بر غرب و بر شرق، به اطاعت شما درمی‌آیند، شما هدیه می‌کنید از قیمت نفتتان به امریکا و سایر قدرتهای بزرگ و خودتان را به اسارت می‌کشید. اینهاست که برای مسلمین و برای اسلام ضربه است. آنها هر تهمتی می‌خواهند می‌زنند به کشور اسلام، به کشور ایران، که از اولی که نهضت پیدا شده است و قبل از او این ملت با اسرائیل مخالف بوده است و یکی از مخالفت‌هایی که با محمدرضای معصوم داشتند همین بود که چرا به اسرائیل کمک می‌کند. حالا این بوقهایی که از گلولی امریکا و از گلولی بستگان امریکا به او نفخ می‌شود، اینها ایران را متهم می‌کنند که اسلحه از اسرائیل می‌خرد، و بعضی مطرودین خود ایران هم تأیید می‌کنند این را.^{۱۹}

دامن زدن به جدایی دین از سیاست توسط آخوندهای درباری و این سلاطین نوکر مآب

یکی از امور مهمی که همه، بسیاری از آقایان می‌دانند، قضیه- که برای سلطه آنهاست- انزوای روحانیت از جامعه‌هاست. و برای این امر نقشه‌های مختلف است؛ از آن جمله جدایی سیاست از دیانت، که مع الأسف این نقشه بسیار مؤثر بوده است و گرفته است. و گرفتاریهای مسلمین اکثراً، بلکه همه از این راه بیشتر بوده است تا راههای دیگر. الان هم بوقهای استعماری و آنهایی که سرسپرده استعمار هستند این فریاد را می‌زنند، و اسلام را از سیاست جدا می‌دانند، و برای مسلمان جایز نمی‌دانند که در سیاست دخالت کند، و دامن می‌زند به این حرف، به این مطلب. روحانیونی که وابسته به دولتها هستند و درباری هستند آنها دامن می‌زنند به این مطلب، خصوصاً در این عصر. و آقایان ائمه جمعه و جماعات و همه خطبای کشورهای اسلامی باید این مطلب را به مردم برسانند که بنابر منطق این طایفه که می‌گویند «باید مسلمان در سیاست دخالت نکند» و او را طرد می‌کنند و لعن شاید بکنند باید رسول الله را طرد کنند ..

رسول الله، پایه سیاست را در دیانت گذاشته است. رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- تشکیل حکومت داده است؛ تشکیل مراکز سیاست داده است. و سایر خلفای اسلام تا آنجایی که به انحراف کشیده نشده بود در صدر اسلام، باید همه آنها را نفی کنند. باید آنها را این آخوندهای درباری و این سلاطین نوکر مآب، باید پیغمبر اکرم و خلفای اسلام را طرد کنند، و بگویند که آنها مسلم نبودند. برای اینکه آنها دخالت در سیاست می‌کردند. سیاستی که در صدر اسلام بود یک سیاست جهانی بود. پیغمبر اسلام دستش را دراز کرده بود در اطراف عالم و

عالم را داشت دعوت می‌کرد به اسلام؛ و دعوت می‌کرد به سیاست اسلامی و حکومت تشکیل داد، و خلفای بعد حکومت تشکیل دادند. و از صدر اسلام از زمان رسول خدا تا آن وقتی که انحراف در کار نبود، سیاست و دیانت توأم بودند. این آخوندهای درباری و این باصلاح سلاطین امریکایی یا شوروی، یا باید پیغمبر و پیغمبران را و خلفای پیغمبر و پیغمبران را تخطئه کنند، یا باید خود و حکومت‌های خود را تخطئه کنند. امر دایر بین این دو است و از این خارج نیست.

نمی‌شود منطقی که در مکه، سیاست ما تخطئه می‌کند و مسلمین را که می‌خواهند شعار بر ضد ستمگران بدهند جلوگیری می‌کند، و در سایر بلاد که بعض ائمه درباری، ائمه - اگر باشد بینشان - جمعه درباری و ائمه جماعت درباری در یک دوراهی واقع هستند، هر کدام را می‌خواهند اختیار کنند. یا اختیار کنند که نه رسول الله و نه بعد از او خلفا و نه آنهایی که متصدیان امور اسلام بوده‌اند از اصحاب و از وابستگان به آنها در صدر اسلام، آنها مسلم نیستند - یا اقرار کنند که خودشان و حکومت‌هایی که در بلاد خودشان هست مسلم نیستند. جمع مابین این دو نخواهد شد. سر این دوراهی همه هستند و گرفتاری مسلمین هم در همین است که به آنها تزریق کرده‌اند، تبلیغ کرده‌اند که روحانیون باید بروند در کنج مدرسه‌ها و مسجدها و بعض مسائل اسلام را بگویند، نه همه را. اساس مطلب اینجاست که اسلام آیا دین سیاست است و با سیاست به همه ابعاد، با مسائل اجتماعی ملتها به همه ابعاد، با مسائل اقتصادی و فرهنگی و همه چیزهایش با همه افراد توأم است، یا اینکه اسلام باید منزوی باشد، و در صدر اسلام آنهایی که حکومت دادند همه در اشتباه بودند.^{۲۰}

آخوندهای درباری، ایران را تکفیر می‌کند، و مسلمین ایران را مسلم نمی‌داند، برای اینکه آنها با امریکا مخالف‌اند.

اگر مسلمین مطلع بشوند که این بوقهای استعماری، آنها را دارند از اسلام جدا می‌کنند و اسلام‌دایی می‌کنند و محتوای اسلام را از آن چیزی که دارد خالی می‌کنند من جمله مسئله امامت جمعه. در صدر اسلام مسائل سیاسی در مسجد و به وسیله آنهایی که امام جمعه بودند حل و فصل می‌شد، و نقشه‌های جنگ در آنجا کشیده می‌شد، و مع الأسف ما را رساندند به آنجا که در خطبه‌های جمعه جز چند کلمه موعظه و تحذیر از اینکه نبادا در امور دخالت کنید چیزی نبوده است. یا نماز جمعه نبود یا اگر بود، محتوا نداشت. یا حج را نمی‌گذاشتند بروند و اگر می‌گذاشتند، حج بی‌محتوا بود. حجی که یک مجمع عمومی است برای مسلمین، و همه مسلمین در آنجا گرفتاریهای ایام سالشان را باید حل بکنند و باید همه دور هم بنشینند و دانشمندان آنها، عقلای آنها دور هم بنشینند و مسائل اسلامی را طرح کنند و گرفتاریهایی که در هر کشور هست که از دست حکومتها این گرفتاریها بوده است یا از دست قدرتهای بزرگ بوده است، خاطرنشان کنند و در راه حلش فکر کنند، نقشه بکشند. حج را به یک صورت بی‌محتوا و مبتذل بیرون آورده‌اند. و امروز هم که یک طایفه از مسلمین از ایران و غیر ایران در فکر این هستند که در آن مجمع عمومی، مسائل اسلامی، گرفتاری مسلمین، مسائل اجتماعی، مسائل دیگری که گرفتارند مسلمین، مسائلی که قدرتهای بزرگ برای آنها پیش آورده‌اند و گرفتاریهایی که حکومتها برای آنها

پیش آورده‌اند در آنجا حل و فصل بشود، مع ذلک به یک صورت مبتدلی درآورده بودند، و به مردم هم باورانده بودند به اینکه غیر از این چیزی نیست. و امروز هم که یک طایفه‌ای می‌خواهند این کار را تجدید کنند، با تمام قوا مخالفت می‌کنند. امروز هم بعض از آخوندهای درباری، ایران را تکفیر می‌کند، و مسلمین ایران را مسلم نمی‌داند، برای اینکه آنها با امریکا مخالفاند. و چه جرمی بالاتر از این و چه چیزی که انسان را از اسلام بیرون ببرد بالاتر از اینکه به امریکا و اسرائیل کسی جسارت کند! این گرفتاریهای شما مسلمانهاست.^{۲۱}

این درباریها و روحانیون درباری کمک می‌کنند به این قدرتهای بزرگ و مردم نشسته‌اند و

گوش می‌دهند و می‌بینند. تکلیف نیست؟ ما نباید از تاریخ رسول الله عبرت بگیریم؟

ای ائمه جمعه همه بلاد اسلامی، مردم را آگاه کنید، این «چرا» را بین مردم بگویند، این «چرا» هم به غرب وارد است و هم به شرق وارد است. و چرا شوروی در ممالک اسلامی دخالت می‌کند، دخالت نظامی؟ امریکا هم همه جور دخالت می‌کند در همه کشورهایی که تحت سلطه او هستند یا می‌خواهد تحت سلطه ببرد؛ هم دخالت نظامی می‌کند، هم دخالت سیاسی می‌کند و همه جور دخالت. خوب، این چرا ندارد در دنیا؟ این یک میلیارد جمعیت نباید بگویند چرا؟

از این یک میلیارد جمعیت اگر نصفشان فریاد بزنند که چرا، امریکا کنار می‌رود. امریکا با دست خود دولتهای وابسته، با دست خود نویسندگان خبیث و گویندگان فاسد مقاصد خودش را پیش می‌برد و مسلمین نشسته‌اند، و این نویسندگان می‌نویسند و این گویندگان می‌گویند، و این درباریها و روحانیون درباری کمک می‌کنند به این قدرتهای بزرگ و مردم نشسته‌اند و گوش می‌دهند و می‌بینند. تکلیف نیست؟ مسلمین دیگر در این عصر تکلیفی ندارند؟ مسلمین تنها هستند؟ ما نباید از تاریخ رسول الله عبرت بگیریم؟ یک نفر آدم باشد و همچو کارهایی کرد. ما نباید از تاریخ عالم عبرت بگیریم که یک نفر موسی باشد و با فرعون چه کرد؟ ما باید عبرت بگیریم. آقا آن روز پیغمبر اکرم عده‌ای همراهش نبود، خودش بود و خودش با همه دشمنها، حتی عشیره خودش دشمنش بودند. لکن اتکال به خدا، توجه به او، فناى در او، کار را پیش برد. نمی‌شود که انسان هم خودپرست باشد و هم خداپرست. نمی‌شود که انسان هم منافع خودش را ملاحظه کند و هم منافع اسلام. باید یکی از این دو تا باشد، یا باید الهی باشد یا شیطانی، این دو راه است. شما علاج بکنید مردم را به اینکه از این هواهای نفسانی بیرون بروند ..

هواهای نفسانی منشأ فساد در حکومت‌ها.

اگر حکومت‌هایی در اسلام به‌طور غیر قانونی دارند حکومت می‌کنند، از این هواهای نفسانی بیرون بروند و توجه بکنند به عزت اسلام، به ارزشهای اسلام و برای یک پارک و یک-نمی‌دانم- باغ و یک ملک و یک چه، اسلام را زیر پا نگذارند، مسائل اسلام حل است.^{۲۲}

^{۲۱} صحیفه امام ج ۱۷ ۲۰۶ اسلام زدایی بواسطه بی‌محتوا نمودن احکام اسلام. ص : ۲۰۵

^{۲۲} صحیفه امام ج ۱۷ ۲۱۱ هواهای نفسانی منشأ فساد در حکومت‌ها. ص : ۲۱۰

ما در محیطی گذران می‌کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند زیر چکمه ستمگران خرد می‌شوند و آخوندهای کثیف درباری به این اعمال وجهه اسلامی می‌دهند.

دنیا در عصر ما و عصرهایی نظیر آن مبتلا به حکومت‌هایی بوده است که جز قانون جنگل در آن حکومت نمی‌کند. ما در عصری هستیم که جنایتکاران به جای توبیخ و تأدیب، تحسین و تأیید می‌شوند. ما در عصری به سر می‌بریم که سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند. ما در منطقه‌ای به زندگی مرگبار خود ادامه می‌دهیم که اکثر حکام آن چشم و گوش بسته تحت فرمان امریکا، به جنایات اسرائیل و حزب بعث عراق مشروعیت می‌دهند و در هدم اسلام و قرآن کریم کوشش می‌کنند. ما در محیطی گذران می‌کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند زیر چکمه ستمگران خرد می‌شوند و آخوندهای کثیف درباری به این اعمال وجهه اسلامی می‌دهند. ما و دنیای مسیحیت در عصری هستیم که پاپ، رهبر کاتولیکها به جای آنکه امریکا را در جنایاتی که به بشریت می‌کند، محکوم کند و پیروان خود را به مقابله با ظالمان برانگیزد، از امریکا پشتیبانی می‌کند و به ستمکاران دیگر توصیه همکاری با آن را می‌کند. اکنون در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملت‌های در بند این ابرقدرتها و انگل‌های آنان چیست؟ باید بنشینند و این صحنه‌های جنایت بار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟ آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا کنند؟ و یا آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود، ملت‌های مظلوم دربند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند، چونان که در ایران با همت ملت بزرگوار شد.^{۲۳}

دست‌های متعهد و مسلمانان بیدار را، این درباریان روحانی نما و بازخورندگان غافل از

سیاست بازی شیاطین می‌بینند، و راه را برای چپاول و سلطه قدرت‌ها باز می‌کنند.

ما می‌دانیم که ابرقدرت‌ها و حکومت‌های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و مُلکی (پادشاهی) مخالف نیستند؛ بلکه بی‌شک آن را تأیید نیز می‌کنند. اسلامی که به وسیله ایادی ابلسی خود و جهال بصورت عالم، عرضه شود- که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند و نباید در امور مسلمانان اهتمام نمایند، و حکم واضح عقل موافق با قرآن را نادیده گرفته و حدیث «مَجَارَى الْأُمُورِ بِيَدِ الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ»- (کارها به دست عالمان دین خدا جریان می‌یابد/ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۸۰، ح ۳۷)- را ضعیف و سخن شریف «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَرَجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا»- (در حوادثی که پیش می‌آید به روایان احادیث ما مراجعه کنید./ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۳)- و دیگر احادیث از این قبیل را بی‌منا یا به تأویل کشانند-

^{۲۳} صحیفه امام ج ۱۷ ص ۵۰۲ پیام به ملت ایران و عراق در مورد شهادت شش تن از بیت آقای حکیم در عراق. ص : ۵۰۰

صدرصد مورد تأیید آنان است. چه بهتر که دست علمای متعهد و مسلمانان بیدار را، این درباریان روحانی نما و بازیخوردگان غافل از سیاست بازی شیاطین ببندند، و راه را برای چپاول و سلطه قدرت‌ها باز کنند. آنان از اسلامی که مؤید آنهاست چه باک دارند؟ از اسلام علی بن ابیطالب - علیه صلوٰه الله و سلامه - می‌ترسند. اگر آن شهید دلباخته اسلام و اسلام شناس حقیقی مثل اینان فکر می‌کرد و به گوشه عزلت به عبادت خدا مشغول می‌شد و راهی جز بین مسجد و منزل نمی‌پیمود، نه جنگ صفین و نهروان پیش می‌آمد، و نه جنگ جمل، و نه مسلمانان فوج فوج به قتل می‌رسیدند و شهید می‌شدند. و اگر سیدالشهدا - علیه السلام - مثل اینان فکر می‌کرد و در کنار قبر جدش به ذکر و دعا می‌پرداخت، فاجعه بزرگ کربلا پیش نمی‌آمد و دوستان ارجمند خداوند قطعه قطعه نمی‌شدند و آل الله به اسارت نمی‌رفتند. و از آنها بالاتر، اگر رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - مانند اینان فکر می‌کرد و به نصیحت و بیان احکام عبادات می‌پرداخت، آن همه رنج و مصیبت نمی‌دید و آن همه مسلمانان به شهادت نمی‌رسیدند. و در علمای معاصر، اگر مرحوم آیت الله عظیم الشان، آقا میرزا محمد تقی شیرازی با آن مقام بزرگ در علم و ورع و تقوا، همانند اینان فکر می‌کرد، در عراق جنگ بین مسلمانان و انگلیسی‌های متجاوز غاصب پیش نمی‌آمد و آن همه مسلمانان شهید نمی‌شدند، و استقلال عراق تأمین نمی‌شد.^{۲۴}

آن ضروری که از این آخوندهای درباری، اسلام می‌خورد، بدتر از آن ضروری است که از امریکا می‌خورد

اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت بکنند و حج از مسائلی است که جنبه سیاسی‌اش بسیار بیشتر است از جنبه‌های عبادی‌اش. و شما آقایان که ان شاء الله با سلامت مشرف می‌شوید باید توجه به این معنا داشته باشید که این فکر استعماری که در مغز بسیاری از حتی روحانیین ممالک اسلامی گنجانیده شده است این را ازاله کنید. در صحبت هایتان، در اجتماعاتتان بگوئید به آنها که اسلام وضعش این نیست که تاکنون ماها داشته‌ایم، فقط بیایند در حج و چند دور بگردند دور خانه مبارک و بعد هم وقوف و چه و چه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و بر مسلمین چه می‌کنند، بی تفاوت باشند. محکوم کنند این اشخاصی که می‌خواهند راجع به مصالح مسلمین صحبت بکنند. آن ضروری که از این آخوندهای درباری، اسلام می‌خورد، بدتر از آن ضروری است که از امریکا می‌خورد، برای اینکه، اینها با یک ظاهر اسلامی اسلام را منزوی می‌کنند و آنها با این ظاهر نمی‌توانند بکنند، آنها وادار می‌کنند اینها را. مسلمین باید در حج وقتی که می‌روند یک حج زنده، یک حج کوبنده، یک حجی که محکوم کنند این شوروی جنایتکار و آن امریکای جنایتکار را؛ یک همچو حجی، حجی است که مقبول است. اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم بلکه برخلاف مصالح مسلمین هی روی جنایت‌ها پرده بیوشیم، نگذاریم

مسلمین صحبت بکنند از جنایت‌هایی که بر مسلمین می‌گذرد و جنایت‌هایی که از حکومت‌ها و از قدرت‌های بزرگ بر مسلمین می‌گذرد، ما یک صحبت بکنیم، این حج نیست، این یک صورت بی‌معناست.^{۲۵}

دامن زدن آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت

همه می‌دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرن‌ها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولتهای اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به‌طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است، که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غریزه و شرق‌زده آنان به توده‌های مسلمانان محروم تحمیل شده است؛ که حتی غالب علمای اسلام گمان می‌کردند و می‌کنند که اسلام از سیاست منزله است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حیل‌گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکر خود اسلام را همچون مسیحیت منحرف به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادی محبوس کنند؛ و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا، و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند. و در این امر توفیق بسزایی پیدا کردند. و از این جهالت و غفلت ما سوء استفاده نمودند، و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استثمار کشیدند؛ و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده، و با دست آنان ملت‌ها را به استضعاف و استثمار کشانند؛ و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبانگیر توده‌های دربند گردید. و اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استثمار به تبلیغات خود و ابرقدرتها به سلطه و چپاول خود ادامه می‌دهند؛ و آخوندهای مزدور و درباری به عقب نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می‌زنند. و **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**.^{۲۶}

این طایفه‌اند که اگر فاسد شدند، عالم را فاسد می‌کنند

ما هیچ روزی به عراق حمله نکردیم، الآن هم ما در حال دفاع هستیم. یک روز اگر مهلت بدهیم، ایران را به هم می‌زند. ما الآن در حال دفاع هستیم از خودمان و از ملت عراق. ملت عراق با ما دوتا نیستند، برادر ما هستند. ما در حال دفاع هستیم از یک ملتی که گرفتار شده، ارتشش گرفتار است، اداری‌اش گرفتار است، همه چیزش گرفتار یک حزب چپمی است. این اخباری که از آنجا می‌آید، انسان را می‌لرزاند که اینها چه گرفتاری دارند. واسف در این است که در بین همه کشورها، یک منحرفی با یک دستاری سرش و یک تحت‌الحنک، در بین جماعت مسلمین اینها هستند، و دامن می‌زنند به این امور. یعنی، اسلام را با آن دشمن‌اند، آن آخوندهای درباری

^{۲۵} صحیفه امام ج ۱۸ ص ۵۳ انزوی اسلام با تبلیغ جدایی دین از سیاست. ص : ۵۲

^{۲۶} صحیفه امام ج ۱۸ ص ۸۹ پیام به مسلمانان ایران و جهان به مناسبت ایام حج (۹ تذکر به زائران). ص : ۸۶

بدتر- برای این که- اگر اسلام بیاید، آخوند درباری بدتر لطمه می‌بیند تا آن ارتشی، آنها به صلاح نزدیکترند. این طایفه‌اند که اگر فاسد شدند، عالم را فاسد می‌کنند.^{۲۷}

آخوندهای درباری نگویند که شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه» خلاف قرآن است

خدای تبارک و تعالی، چون نظرش به اول و آخر است- تا آخر نظر دارد- می‌گوید که «جنگ تا رفع فتنه». غایت، رفع فتنه است؛ یعنی، اگر ما پیروز هم بشویم یک کمی فتنه را کم کردیم، اگر ما به جای دیگر هم پیروز بشویم، باز یک جای کمی پیروزی حاصل شده است. اگر همه دنیا را هم ما فرض کنید که جنگ بکنیم و پیروز بشویم، باز همه دنیای عصر خودمان را پیروزی درست کردیم. و قرآن این را نمی‌گوید، قرآن می‌گوید: «جنگ تا رفع فتنه»؛ باید رفع فتنه از عالم بشود. بنابراین غلط فهمی است از قرآن که کسی خیال کند که قرآن نگفته است «جنگ جنگ تا پیروزی». قرآن گفته است، بالاتر از این را گفته، اسلام هم گفته است و بالاتر از این را گفته است. و رحمت است این، نه این است که نعمتی (ضد رحمت) بر مردم است، یک رحمتی است بر تمام بشر، که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقاتله کرده است، نه این که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد زحمتی برای مردم ایجاد کند؛ می‌خواهد رحمت درست کند، توسعه رحمت می‌خواهد عنایت کند. بنابراین، نباید از قرآن سوء استفاده کرد و آنهایی که با رژیم ما مخالف هستند، بگویند:

این مخالف قرآن است؛ یا آخوندهای درباری بگویند: این مخالف قرآن است؛ یا آخوندهای بدتر از آخوندهای درباری بگویند: این مخالف قرآن است. خیر! این موافق قرآن است. و اگر کسی بگوید که: با فاسد جنگ نکنید، مخالف قرآن است؛ اگر کسی بگوید: فتنه را با جنگ رفع نکنید، مخالف قرآن است. و مایحمدالله، جوان هایمان الآن مشغول هستند و همان دستوری که خدای تبارک و تعالی در قرآن داده است به اندازه محیط خودشان، به اندازه سعه وجود خودشان را دارند انجام می‌دهند، و امیدواریم که خدای تبارک و تعالی به آنها توفیق بدهد که هرچه بیشتر این امور را انجام بدهند.^{۲۸}

شما آقایان چرا ساده اندیشی می‌کنید؟ شما سوره براءت را برای مردم چرا نمی‌خوانید؟ شما

آیات قتال را چرا نمی‌خوانید؟ هی آیات رحمت را می‌خوانید! آن قتال هم رحمت است

آنهایی که مخالف با ترور هستند، مرکز ترور هستند. امریکایی که این قدر از انساندوستی صحبت می‌کند و رئیس جمهورش آن‌طور از انساندوستی، انساندوست است امریکا! امریکایی که دنیا را به آتش کشیده است، امریکایی که بشر را دارد به فنا می‌رساند، اینها انساندوست‌اند؟ و اسلام این‌طور نیست؟! و ایران اسلامی این‌طور

^{۲۷} صحیفه امام ج ۱۸ ۵۰۳ توصیه و نصیحت به کشورهای حامی صدام. ص: ۵۰۲.

^{۲۸} صحیفه امام ج ۱۹ ۱۱۷ ریشه قرآنی شعار «جنگ جنگ تا پیروزی». ص: ۱۱۶.

نیست؟ برادران، وقتی که می‌روید بیرون، مسائل را بگویید. ننشینید دیگر در خانه تا این که آنها برایش هجوم کنند، شما هجمه کنید آنها عقب می‌نشینند. شما ننشینید در خانه و هی ترس این که مبادا چه بشود. خوب! همین چیزی بود که در ایران بود و قدرت ایران از اکثر این بلادی که هستند زیادتز بود، لکن ایران علمایش رویش کار کردند، مردم را بیدار کردند، به مردم مصلحت را گفتند، اسلام را گفتند به مردم، مردم هم اسلام را به ذات می‌خواهند، مسلمانند. شما اسلام را به مردم بگویید شما احکام اسلام را، نوید سراغ احکام فقط نماز و روزه، آنها را هم باید بگویید، اما احکام اسلام که منحصر در این نیست. شما سوره براءت را برای مردم چرا نمی‌خوانید؟ شما آیات قتال را چرا نمی‌خوانید؟ هی آیات رحمت را می‌خوانید! آن قتال هم رحمت است برای این که می‌خواهد آدم درست کند. آدم گاهی درست نمی‌شود مرض گاهی صحیح نمی‌شود، اَلَّا بِالْكَيِّ؛ («آخرالدواء الکی» آخرین راه درمان، داغ کردن است) باید ببرند، داغ کنند تا درست بشود جامعه. باید آنهایی که فاسد هستند، از آن بیرون ریخته بشوند؛ جنبه رحمت است همه‌اش. منتها آقایان، بعضی‌ها خیال می‌کنند که همان رحمت این است که به آن مهلت بدهند تا بکشد آدم‌ها را. این رحمت است؟ از حبس‌ها بیرونشان کنید تا بریزند مردم را بکشند، این رحمت است؟ شما روی قرآن عمل کنید. قرآن با اشخاصی که مسلمند و معتقدند و ایمان به خدا دارند، به برادری رفتار می‌کند. با اشخاصی که بر خلاف این هستند آنها را می‌گوید بکشید، بزنید، حبس کنید؛ اِثِدَاءٌ عَلٰی الْكُفَّارِ. شما همان طرفش را گرفتید، زمین هم می‌خورد. ما، اگر بنا باشد اسلام را به یک طرفش قبول داشته باشیم، همان جنبه باصطلاح شما رحمت، من همه جنبه هایش را رحمت می‌دانم، اما آنکه شما خیال می‌کنید که آن جنبه‌اش رحمت است که دزدها را بیرونشان کنیم، مفسدها را بیرون کنیم، آدمکش‌ها را بیرون کنیم، دست بردارید از این‌طور رحمت‌هایی که شما توهم می‌کنید. اینها رحمت نیست، اینها مخالف خداست، مخالفت با خداست. شما آقایان، باید بگویید مسائل راه، در بلاد خودتان که رفتید، مسائلی که خدا فرموده است، بگویید. اِثِدَاءٌ عَلٰی الْكُفَّارِ رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ؛ (بر کافران، بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مهربانند/ سوره فتح، آیه ۲۹) این را باید به مردم حالی کنید که معنی‌اش چی است. ما باید چه بکنیم با آنها؟ آنهایی که هجمه کردند به همه بلاد اسلامی و دارند همه چیز بلاد اسلامی را از بین می‌برند ..

از آن‌ور آخوندهای درباریشان تبلیغ می‌کنند و افساد می‌کنند و بر ضد اسلام حرف‌ها می‌زنند، تفرقه می‌اندازند بین مسلمین؛ از آن طرف هم، آنها به جان مردم افتاده‌اند و همه چیزشان را دارند می‌برند. و ما هم کنار بنشینیم، تماشا کنیم؛ ما تماشاچی هستیم! ما چه کاری به این کارها داریم! ما می‌رویم نمازمان را می‌خوانیم و روزه‌مان را می‌گیریم و تمام شد! تکلیف همین است؟! امیرالمؤمنین همین بود؟ سیدالشهدا، اگر این فکر را می‌کرد که نمی‌رفت به کربلا، با یک عدد معدودی. این فکر را نمی‌کرد، این فکر غلط ما در ذهن او نبود. امیرالمؤمنین، اگر بنا بود که خیر، هی مسامحه کند شمشیر نمی‌کشید هفتصد نفر را یکدفعه بکشد، تا آخر آن اشخاصی که قیام کرده بودند به زدش، تا آخر، ضد اسلام بود دیگر، تا آخرشان را کشت و چند نفر دیگر فرار کردند، بعد هم آمدند آن فساد را کردند، فراری هایشان آن فساد را کردند. شما بدانید که از حبس‌های ما، همین اشخاصی هستند که مفسدند. ما اشخاصی که مفسد نیستند، یک آن هم میل نداریم باشند. اگر از اینها هرچه بیرون برود هر یکشان بیرون بروند آدم می‌کشند، آدم نشده‌اند اینها. ما تا کی باید خواب باشیم؟ ما تا کی ساده اندیش باشیم؟

شما آقایان چرا ساده اندیشی می‌کنید؟ در بلاد خودتان که می‌روید، بگویید به مردم، بگویید به دنیا، که با دنیا دارند چه می‌کنند این قدرتمندها، اینها با ضعفا دارند چه می‌کنند. اینها، اتیوپی که آن همه بیچاره‌ها دارند رنج می‌برند، می‌میرند از گرسنگی، گندم هایشان را می‌ریزند تو دریا، خرج سلاح‌هایی می‌کنند که همه عالم را از بین ببرند.

اینها انساندوست‌اند! اینها با این صورت انساندوستی می‌خواهند همه ما را پایمال کنند، اینها با این مجامع حقوق بشر می‌خواهند حقوق بشر را از بین ببرند.^{۲۹}

تفرقه انگیزی آخوندهای درباری/ جز این است که اینها نوکر امریکا یا بعض بلاد دیگر هستند که اینها را وادار به این می‌کنند که یک همچو مسائلی را بگویند و تفرقه ایجاد کنند؟

در هر صورت انحرافاتی که بعد از غدیر خم پیدا شد و ماها هم غفلت کردیم - همه نه - بسیاری از ماها، اکثریت شاید غفلت کردند و ما را کناره گیر کردند، گذاشتند که در امور مسلمین دخالت بکنیم، اسباب این گرفتاریهایی شده است که الآن در سرتاسر کشورهای اسلامی داریم می‌بینیم، در همه جا این مسائل هست. باور کردند علمای اهل سنت به اینکه اطاعت از هر قلدری باید کرد، این هم به دست اشخاص قلدر پیدا شده است.

امکان دارد یک همچو چیزی که پیغمبر اسلام احکام بفرستدو بگوید از آتاتورک که احکام ما را محو می‌کند اطاعت کنید؟! این را کدام عقل می‌پذیرد؟ پیغمبر اسلام احکام بفرستد، خدای تبارک و تعالی احکام بفرستد بگوید که نماز بخوانید، بعدش هم بگوید اطاعت کنید از آتاتورک که می‌گوید نماز نخوانید! از کدام بشنویم، از خدا یا از آتاتورک؟! این را چه عقلی باور می‌کند؟ آن اولوالامری که در قرآن وارد شده است، واضح است که کسی است که تلو (ذنبال) رسول خداست، الله هست، رسول خدا هست اولوالامر، او باید یک همچو صفاتی داشته باشد. معقول نیست که خدای تبارک و تعالی مردم را وادار کند که از رضاخان که همه جهات شرعی و اسلامی را کنار می‌گذاشت، شما اطاعت کنید؛ دین بفرستد بعد بگوید از کسی که لادین است اطاعت کنید؛ یعنی، شما هم لادین بشوید، می‌شود این؟! این انحرافاتی است که پیدا شده است و مع الأسف، دستهای قوی‌ای این انحرافات را ایجاد کردند و ما و دیگران در حال غفلت هستیم. از انحرافات زیادی که دستهای قوی دشمنهای اسلام دست در آن داشتند، همین اختلافاتی است که بین طوایف مختلف هست؛ اختلاف سنی و شیعه، البته سنی و شیعه در بسیاری از عقاید مختلف‌اند، باید هم باشند. من نمی‌گویم باید باشند ولی خوب هستند دیگر، آزادند. اما این اسباب این بشود که ما کارشکنی کنیم که نبادا یک وقتی یک کشوری مسلط بشود

و

امریکا را بیرون کند، کارشکنی کنیم که نبادا یک وقتی بتوانیم یک نفری که دارد اسلام را به هم می‌زند، دارد یک کشوری را از بین می‌برد، ما بخواهیم او را از بین ببریم، کارشکنی کنیم. بعض آخوندها، آخوندهای درباری، کتاب نوشتند در همین زمان در مکه منتشر کردند؛ باز کتاب تفرقه. اینها نمی‌دانم چه فکر می‌کنند، جز این است که اینها نوکر امریکا یا بعض بلاد دیگر هستند که اینها را وادار به این می‌کنند که یک همچو مسائلی را بگویند

و تفرقه ایجاد کنند؟ در بین خود ما هم خوب، تفرقه‌هایی هست؛ این شیخی است و آن صوفی است و آن اخباری است و آن اصولی است. و عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی چرا بشود؟ چرا در این امری که همه مشترک هستیم با هم نباشیم؟

اینها جوری است که یک تربیتی پیدا شده است به دست این توطئه گرها که از جوانی، از بچگی ما را تربیت کردند به این طور که شماها باید یک طوری کنید که دیگران نباشند، آنها هم یک جور دیگری شما نباشید، همه با هم مختلف، از این اختلاف نتیجه‌اش را آنها می‌برند، عقل چه اقتضا می‌کند!

من از خدای تبارک و تعالی عاجزانه استدعا می‌کنم که این جمهوری اسلامی را قدرت عنایت کند و اسلام را در همه جا تقویت کند و مسائل اسلامی را در همه جا تقویت کند، و افکار مختلفی که در این امور هست، خدای تبارک و تعالی این افکار را برگرداند به یک فکر صحیح، به یک فکر اسلامی، به یک فکری که باید مشی کرد به آن طوری که باید اداره کرد یک کشور اسلامی را.^{۳۰}

در پرده ابهام رفتن ابعاد فریضه عظیم حج توسط آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمیهای

بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی و ...

عید سعید و مبارک در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهانخواران بیرون آیند. و این مقصد بزرگ زمانی میسر است که ابعاد مختلفه احکام اسلام را بتوانند به ملت‌های زیر ستم ارائه دهند. و ملتها را با اسلام ناشناخته آشنا کنند، و فرصتها را برای این امر بزرگ سرنوشت ساز مغتنم شمرده و از دست ندهند. و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است. و مع الأسف ابعاد مختلف این فریضه عظیم سرنوشت ساز به واسطه انحرافهای حکومت‌های جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج فهمیهای بعضی از معممین و مقدس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است. کج فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف، و آن را از حکومت طاغوت بدتر می‌دانند! کج فکرانی که فریضه بزرگ حج را محدود به یک ظاهر بی‌محتوا کرده، و ذکر گرفتاریهای مسلمانان و کشورهای اسلامی را بر خلاف شرع و تا سرحد کفر می‌شمارند. وابستگان به حکومت‌های جابر انحرافی که فریاد مظلومانی را که از گوشه و کنار جهان در این مرکز فریاد جمع گردیده‌اند. و زندقه و برخلاف اسلام وانمود می‌کنند. بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده‌اند و اهتمام به امر مسلمین را بر خلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلام معرفی می‌کنند. و مع الأسف دامنه تبلیغات گمراه کننده به قدری بوده و هست که دخالت در هر امر اجتماعی و سیاسی را در جامعه مسلمین برخلاف وظایف روحانیون و علمای دین می‌دانند؛ و دخالت در سیاست را گناهی نابخشودنی می‌خوانند؛ و فریضه نماز جمعه را به یک صورت خشک مقصور کرده و تجاوز از این حد را ضد اسلام می‌دانند. و باید گفت اسلام غریب و ناشناخته است، و ملت‌های اسلامی منزوی و ناآشنا به حقایق اسلامند.

اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می‌برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می‌خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می‌باشد. ملت ایران - أَعَزَّهِمُ اللَّهُ - راه عذرها را مسدود نموده، و اثبات نمود که در مقابل قدرتهای بزرگ می‌توان ایستاد و حق انسانی خود را باز پس گرفت. و با اتکال به قدرت لایزال حق تعالی، که وعده نصرت به شرط آنکه حق را یاری دهیم عنایت فرموده است، هراس به خود راه ندهند که ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. و برای تحقق اهداف اسلامی، که در مقدمه آن کوتاه کردن دست قدرتمندان منحرف و مخالف اسلام از کشورهای اسلامی و رفع موانع داخلی و خارجی می‌باشد، همت گمارند؛ و با احزاب و حکومتها و گروهها و اشخاصی که با نهضتهای اسلامی، که بحمدالله تعالی در آستانه رشد و شکل گیری است، مخالفند مقابله نموده، و مبارزه با آنان را در سرتاسر جهان سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند؛ و مطمئن باشند که با وعده صریح خداوند تعالی، توفیق پیشرفت حاصل شود و مظلومان از دست ستمگران نجات یابند.^{۳۱}

مخالفت آخوندهای درباری با جهات سیاسی حج

مشکلات مردم در حج، باید تمام بلادی که وارد می‌شوند و مردم مستطیعش یا روحانیون محترمش وارد می‌شوند، باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت‌ها چه وضعی است، بین حکومت‌ها با قدرتهای شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت‌ها با خود ملت‌ها چه وضعی است، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند. اینها اموری است که باید رسیدگی به آن بشود و حج برای همین امور است. حج برای این است که مشکلات یک سال مسلمین را بررسی کنند و در صدد رفع مشکلات برآیند ..

آن‌طور که آخوندهای درباری منطقه و غیرمنطقه می‌گویند که حج باید از جهات سیاسی خارج باشد، اینها رسول الله را محکوم می‌کنند، اینها خلفای اسلام را محکوم می‌کنند، ائمه هدی را محکوم می‌کنند. اینها نمی‌دانند که این سفر حج و این حج برای این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده است، برای این بوده است که مسلمین مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود.^{۳۲}

^{۳۱} صحیفه امام ج ۱۹ ص ۲۲ پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید قربان(فلسفه حج و رسالت حجاج). ص ۲۲۰

^{۳۲} صحیفه امام ج ۱۸ ص ۵۲ بررسی اوضاع مسلمین و مشکلات آنان در حج. ص ۵۱

آخوندهای درباری و حج

خدای تعالی و رسول عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - در روز حج بزرگ ندا دادند و فریاد سر دادند که خدا و رسول بری هستند از مشرکان: وَ أَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ (۱) در آن روز خط امریکا و آخوندهای درباری تأمین کننده منافع شیطان بزرگ نبودند که فتوا دهند - العیاذ بالله - خدا و رسول بر خلاف مناسک حج دستور داده و عمل می کنند، و باید حج از این مسائل به دور باشد. روزی که ولی الله الأعظم، امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر کنند و از ستمگران پشتیبانی نمایند. خداوند ان شاء الله تعالی اسلام و مسلمین را از شر ستم پیشگان نگهداری فرماید.^{۳۳}

مخالفت روحانی نماها و آخوندهای درباری با شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت در

حج

باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملتها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حيله‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می شوند و روحانی نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملیگراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می آورند و برای خلع سلاحهای مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - به هر کاری دست می زنند و چه بسا جاهلان مُتَنَسِّک (جاهلان زاهد) بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مُتَهْتِک (عالمان پرده در رسوا و بیحیا)) القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیا طلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و علما می باشد. که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهانخواران به شمار می رود که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بیخبران و دلمردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله رابه صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند و از همه جا وهمه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز، از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالاتری رهسپار شوند و همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب

^{۳۳} صحیفه امام ج ۱۹ ج ۲۵ پیام به مسلمانان جهان و حجاج در آستانه عید قربان (فلسفه حج و رسالت حجاج). ص : ۲۰

بیت و از تَوْضُوءِ زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.^{۳۴}

آنها می‌خواستند برگردانند اسلام را به همان مسائل زمان جاهلیت، ولو در صورت اسلام.

تکلیف امیرالمؤمنین در این وقت چی بود؟ جز این بود که عمل کرد؟

آن چیزی که موجب تأسف است این است که نگذاشتند حضرت امیر- سلام الله علیه- آن طور که باید و دلخواه اسلام است، جلوه پیدا کند. در مدت کوتاه خلافت ظاهری ایشان، سه تا جنگ پیش آمد که از خود مسلمین بود. این منحرفین که ایران را متهم می‌کنند به اینکه چرا با مسلمین شما جنگ می‌کنید، علاوه بر اینکه ما حزب بعث را مُسْلِم نمی‌دانیم، بلکه ضد اسلام می‌دانیم و مردم عراق مبتلای به او هستند و مردم ایران هم همین‌طور، و جنگ با مسلم نیست گرچه از مسلمین او سپر قرار می‌دهد و می‌آورد در جبهه‌ها، لکن جنگ با مسلم نیست. علاوه بر این ما فرض می‌کنیم که مسلم باشد، شماها صدام را از اصحاب رسول الله مُسْلِمتر می‌دانید؟ این معممین اهل سنت بعضیشان- درباریه‌های اینها- صدام و امثال صدام را از مقدسهای نهروان (اشاره است به «خوارج») بالاتر می‌دانند؟ آنهايي که جیبشان پینه داشت و نماز شب هم می‌خواندند. حضرت امیر سه جنگی (جمل، صفین، نهروان) را که کرده است با اصحاب پیغمبر، با نزدیکان پیغمبر، با مقدسهای حقه باز کرده است و این برای مصلحت اسلام بوده است. گرچه من می‌دانم که در بعضی دلها اشکال به حضرت امیر هم هست، بعضی اشخاص به حضرت امیر هم اشکال دارند، ولو جرأت نمی‌کنند بگویند که «چرا با مسلمانها جنگ کرده است!» لکن حضرت امیر تابع اسلام است، اسلام بگوید با مسلمین جنگ کن، جنگ می‌کند؛ بگوید با کفار جنگ کن، جنگ می‌کند، وقتی بنا شد یک طایفه‌ای از مسلمین، اینها توطئه کردند برای اینکه اسلامی که می‌خواهد متولد بشود، این را از بین ببرند و یک دسته دیگر هم اغفال کردند دنبال این معنا، تکلیف حضرت امیر- سلام الله علیه- است که شمشیر را بکشد و در سه جنگ با مسلمین [یعنی] کسانی که اظهار اسلام می‌کردند و فریاد اسلام می‌کشیدند و همه‌شان هم از صدام مسلمانتر بودند، شمشیر را بکشد و در سه جنگ با مسلمانها جنگ بکند برای اطاعت امر خدا و برای حفظ اساس اسلام ..

آن روزی که اساس اسلام و اساس دیانت اسلام بستگی دارد به جنگ کردن با کسانی که اظهار اسلام می‌کنند یا واقعاً هم مسلمان هستند، وقتی بنابراین شد، شمشیر را باید بکشند مسلمین و با آنها جنگ بکنند. این کوردهایی که برای طرفداری از قدرتهای بزرگ و برای طرفداری از سلطنت طلبها و منافقین و امثال اینها به ایران و رزمندگان ایران و علمای اسلام در ایران اشکال می‌کنند، اینها اشکالشان را ببرند در صدر اسلام طرح کنند، ببینند که باید چه بگویند! امیرالمؤمنین را قبول ندارند؟ قبول دارند. در آنجا ببینند چه واقعه‌ای اتفاق افتاد و

^{۳۴} صحیفه امام ج ۲۰ ص ۳۱۶ پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام (برائت از مشرکان). ص : ۳۱۱

برای چه اتفاق افتاد، انگیزه چی بود؟ آنها می‌خواستند برگردانند اسلام را به همان مسائل زمان جاهلیت، ولو در صورت اسلام. تکلیف امیرالمؤمنین در این وقت چی بود؟ جز این بود که عمل کرد؟^{۳۵}

آخوندهای حسود دنیاگرای درباری، راس عمال مزدور دشمنان اسلام

و با حال شعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راههای نجات را از حق، در آن مواضع کریمه طلب کنید ..

پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانید تا از این محبوبات که بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذرید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم (سنگباران) کنید و شیطان از شما بگریزد. و رجم شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطان زادگان همه گریزان شوند. و شرط همه مناسک و مواضع برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه مسلمانان در این مراحل و مواضع و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیتهای جاهلی، و هماهنگ خروشدن بر دشمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصر از آن سیلی خورده است و آن را مانع غارتگریهای خود می‌داند و با تفرقه افکنی و نفاق پراکنی می‌خواهد این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد. و عمال مزدور آنان که در رأس آنها آخوندهای حسود دنیاگرای درباری‌اند و در هر جا و هر وقت خصوصاً در ایام حج و مراسم الهی آن، مأمور اجرای این مقاصد شوم می‌باشند. مسلمانان در مواضع و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان جهان است، و کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخواران از ممالک اسلامی است، لازم است با هوشیاری مراقب اعمال ضد اسلامی و قرآنی این عمال خبیث و آخوندهای نفاق افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین واقعی نخواهند گذاشت، از خود برانند که اینان از طاغوتیان شیطانتر و پستترند.^{۳۶}

از خرده گیری کج روشان و آخوندهای درباری و وعاظالسلطین نه‌راسید

فرهنگ فاسد غرب و شرق اقتضا می‌کند که با وسائل عظیمی که در دست دارند در تمام ساعات روز به دروغ پردازی و تهمت و افتراء بر فرهنگ الهی اسلام بتازند، و در هر فرصتی قوانین الهی جمهوری اسلامی و اصل اسلام را بکوبند و وابستگان به آن را مرتجع کهنه پرست فاقد شعور سیاسی بخوانند، و قوانین اسلام را کافی برای این زمان ندانند. به بهانه آنکه قوانینی که هزار و چهارصد سال بر آن گذشته قدرت اداره امور را ندارد، که

^{۳۵} صحیفه امام ج ۱۹ ۲۱۵ اطاعت الهی و حفظ اسلام اساس جنگهای علی(ع). ص: ۲۱۳

^{۳۶} صحیفه امام ج ۲۰ ۹۱ پیام به مردم و زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج(مهجوریت حج ابراهیمی). ص: ۸۶

دنیا نوآوردهایی دارد که در آن اعصار نبوده و بعضی اشخاص مدعی اسلام نیز این مطلب را تکرار کرده و می‌کنند ..

در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی، در مقابل این توطئه‌های دامنه‌دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده است نویسندگان متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کرده و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را- که برای همه قرون است- با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم (ص) و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت. و از خرده گیری کج روشان و آخوندهای درباری و وعاظالسلطین نهراسید و به آن روحانی نمایان یا روحانیان که از روی عمد یا کج فهمی، یا حسد و دسیسه‌های شیطانی [مخالفت می‌کنند] با موعظه حسنه و طریقه نبی اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- و امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین- علیهم صلوات الله- فهماند که این کجروی‌ها اگر خدای نخواستہ بجای برسد و خللی در جمهوری اسلامی- که می‌خواهد اسلام مظلوم در طول تاریخ را تجدید کند- وارد شود، اسلام چنان سیلی از غرب و شرق و وابستگان به آنان می‌خورد که قرن‌ها فساد بالاتر از عصر ستمشاهی را شاهد خواهیم بود ..

و اکنون وقت آن است که وصیت و نصیحت پدرا نه به احمد فرزند خود بکنم. پسر! تو با آنکه در هیچ شغلی از شغل‌های سران اسلامی- آیدهم الله تعالی- وارد نیستی، این سیلی‌های طاقت فرسا را که می‌خوری برای آن است که فرزند منی و به حسب فرهنگ غرب و شرق باید من و هرکس به من نزدیک و به ویژه تو که از هرکس نزدیکتری مورد تهمت و آزار و افتراء واقع شود. در حقیقت جرم تو این است که فرزند منی و این در نظر.

آنان کم جرمی نیست؛ البته بالاتر از اینها هم باید بگویند و خواهند گفت و باید منتظر و مهیا باشی؛ اما اگر ایمان و اعتقاد به حق تعالی داشته باشی و اعتماد به حکمت و رحمت بی پایان او بکنی، خواهی این تهمتها و افتراها و آزارهای بی‌پایان را تحفه‌ای از دوست برای سرکوب نفسانیت خود بدانی و ابتلائی و امتحانی است الهی برای خالص کردن بندگان خود. پس سیلی‌ها را بخور و شکر خداوند را به جا آور که چنین عنایتی فرموده و آرزوی بیشتر بکن^{۳۷}.

آنی که پیغمبر می‌خواست حاصل نشده است! اگر حاصل شده بود، تو آخوند درباری حالا نبودی.

ما هم باید از قضیه بعثت و آن برکات بعثت که حاصل شده است [استفاده کنیم] با اینکه آنی که پیغمبر می‌خواست حاصل نشده است حالا و بعدها هم حاصل نخواهد شد آن مسائلی که او می‌خواست، که می‌خواهد مردم چه بشوند، نه در زمان خودشان شد و نه بعد شد. و گرچه بعضی آخوندهای درباری می‌گویند که فلانی گفته است که پیغمبر نتوانست، بله، من عرض می‌کنم پیغمبر نتوانست! اگر توانسته بود، تو آخوند درباری حالا

نبودی. همه می‌دانیم که در زمان پیغمبر، وضع جوری بود که پیغمبر حتی احکامی [۱] که می‌خواست بگوید، تقیه می‌کرد حضرت؛ مسائلی که می‌خواست بگوید حضرت، ملاحظه می‌کرد و موفق نشد پیغمبر به آن چیزی که می‌خواست، آن چیزی که دلخواهش بود بعث کرد. همه چیز گفت، در رساندن مطلب هیچ قصوری نبود، اما در فهماندن مردم، آشنا کردن مردم به مسائل، یک مسئله‌ای نبود که از عهده کسی برآید. و لهذا، می‌بینید فساد در آن وقت بود و حالا هم هست و تا آخر هم خواهد بود. بله، در زمان حضرت صاحب- سلام الله علیه- حکومت واحد می‌شود. قدرت حکومت ... عدالت، یک عدالت اجتماعی در همه عالم می‌آید، اما نه اینکه انسانها بشوند یک انسان دیگر. انسانها همانها هستند که یک دسته‌شان خوب‌اند، یک [دسته] بد. منتها آنهایی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند که کارهای خلاف بکنند. در هر صورت، مسئله بعثت مسئله‌ای نیست که ما حالا بتوانیم در اطرافش صحبت کنیم.^{۳۸}

اگر پیغمبر مقصدش حاصل شده بود، این آخوندهای درباری حالا نبودند

من باید عرض کنم که مقصد اصلی انبیا تا حالا کم حاصل شده است، خیلی کم. اگر فردا آخوندهای درباری نگویند که فلانی گفت پیغمبر کاری ازش نیامده!، اگر پیغمبر مقصدش حاصل شده بود، این آخوندهای درباری حالا نبودند. اگر مقصد انبیا حاصل شده بود، این دولت آمریکا و نمی‌دانم دیگران نبودند حالا. اگر اینها می‌گویند که الان مقصد انبیا حاصل شده است، و این همه فساد در دنیا هست، پس مقصد انبیا معلوم می‌شود این فسادها بوده که حاصل شده مقصد انبیا حاصل نشده است. ما هم که داریم می‌گوییم مقصد انبیا، باز آن مقصدی که آنها می‌خواستند ما دستمان به آن نمی‌رسد، آن یک مسئله‌ای است فوق اینها. مقصد انبیا حکومت نبوده است، حکومت برای مقصد دیگر بوده، نه مقصد بوده. تمام مقاصد برمی‌گردد به معرفت الله. هرچه در دنیا واقع بشود و انبیا هرچه دنبالش بودند دنبال این بودند که خدانشناسی، واقعاً خدانشناسی، اگر او حاصل بشود همه چیز دنبالش حاصل است. تمام فسادهایی که در دنیا واقع بشود از این است که ایمان ندارند به خدا، فضلاً از اینکه خدانشناسی و معرفت باشد، ایمان ندارند. اگر ایمان به خدا پیدا شد همه چیز دنبالش است، تمام فضایل دنبالش است. انبیا هم دنبال این بودند که بتدریج آن‌طور که می‌شود این بشر را سوق بدهند طرف معرفت الله. تمام چیزهای دیگر هم مقدمه همین معنا هست. و تمام چیزهایی که از آن می‌سوختند انبیا، این بود که می‌دیدند مردم دارند خودشان را می‌کشند طرف جهنم. انبیا مظهر رحمت حق تعالی هستند، می‌خواهند که همه مردم خوب باشند، می‌خواهند همه مردم معرفت الله داشته باشند، می‌خواهند همه مردم سعادت داشته باشند. وقتی می‌بیند که این مردم دارند رو به جهنم می‌روند، آنها افسوسش را می‌خورند، در قرآن هم اشاره‌ای به این هست، فَلَمَّا كَبُخَ نَفْسَكَ (۱) اینکه اینها مؤمن نشدند. مسئله این است که همه دنبال این بودند که مردم را آشنا کنند با خدا.^{۳۹}

^{۳۸} صحیفه امام ج ۲۰ ص ۲۴۰ برکات بعثت رسول گرامی اسلام. ص : ۲۳۹

^{۳۹} صحیفه امام ج ۱۹ ص ۴۳۸ قرآن کریم، مبدأ تمام معارف و مرکز عرفانها. ص : ۴۳۸